

استاندارد بین‌المللی حسابداری 32
ابزارهای مالی: ارائه

فهرست مندرجات

<u>از</u>	
<u>بند</u>	
2	هدف
4	دامنه کاربرد
11	تعاریف (به بندهای رب3 تا رب23 نیز مراجعه شود)
15	ارائه
15	بدهیها و حقوق مالکانه (به بندهای رب13 تا رب14 و رب25 تا رب29الف نیز مراجعه شود)
16الف	ابزارهای قابل فروش به ناشر
16پ	ابزارها، یا اجزای ابزارها، که واحد تجاری را متعهد می‌کند تنها در زمان انحلال، سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری را به طرف دیگر تحویل دهد
16ث	تجدید طبقه‌بندی ابزارهای قابل فروش به ناشر و ابزارهایی که واحد تجاری را متعهد می‌کند تنها در زمان انحلال، سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری را به طرف دیگر تحویل دهد
17	نبود تعهد قراردادی برای تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر (بند 16الف))
21	تسویه از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری (بند 16ب))
25	شرایط تسویه احتمالی
26	اختیارهای تسویه
28	ابزارهای مالی مرکب (به بندهای رب30 تا رب35 و مثالهای توضیحی 9 تا 12 نیز مراجعه شود)
33	سهم خزانه (به بند رب36 نیز مراجعه شود)
35	بهره، سود تقسیمی، زیانها و سودها (به بند رب37 نیز مراجعه شود)
42	تهاثر دارایی مالی و بدهی مالی (به بندهای رب38الف تا رب38ج و رب39 نیز مراجعه شود)
96	تاریخ اجرا و گذار
98	کنارگذاری سایر بیانیه‌ها
	پیوست

استاندارد بین‌المللی حسابداری 32

ابزارهای مالی: ارائه

هدف

1. [حذف شد]
2. هدف این استاندارد، تعیین اصول ارائه ابزارهای مالی به عنوان بدهی یا حقوق مالکانه و تهاثر داراییهای مالی و بدهیهای مالی است. این استاندارد در مورد طبقه‌بندی ابزارهای مالی از دیدگاه ناشر، به داراییهای مالی، بدهیهای مالی و ابزارهای مالکانه؛ طبقه‌بندی بهره، سود تقسیمی، زیانها و سودهای مربوط؛ و شرایطی که در آن داراییهای مالی و بدهیهای مالی باید تهاثر شوند، کاربرد دارد.
3. اصول مندرج در این استاندارد، مکمل اصول شناخت و اندازه‌گیری داراییهای مالی و بدهیهای مالی در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری، و اصول افشای اطلاعات درباره آنها مندرج در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 ابزارهای مالی: افشا است.

دامنه کاربرد

4. این استاندارد، باید توسط تمام واحدهای تجاری، برای انواع ابزارهای مالی به جز موارد زیر بکار گرفته شود:
 - الف. منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص که حسابداری آنها طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10 صورتهای مالی تلفیقی، استاندارد بین‌المللی حسابداری 27 صورتهای مالی جداگانه یا استاندارد بین‌المللی حسابداری 28 سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص انجام می‌گیرد. با وجود این، در برخی موارد، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10، استاندارد بین‌المللی حسابداری 27 یا استاندارد بین‌المللی حسابداری 28، واحد تجاری را ملزم یا مجاز می‌کند که حسابداری منافع در واحدهای تجاری فرعی، وابسته یا مشارکتهای خاص را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 انجام دهد؛ در چنین مواردی، واحدهای تجاری باید الزامات این استاندارد را بکار گیرند. همچنین، واحدهای تجاری باید این استاندارد را برای تمام ابزارهای مشتقه وابسته به منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص بکار گیرند.
 - ب. حقوق و تعهدات کارفرمایان در طرحهای مزایای کارکنان، که استاندارد بین‌المللی حسابداری 19 مزایای کارکنان برای آنها کاربرد دارد.

پ. [حذف شد]

ت. قراردادهای بیمه طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۴ قراردادهای بیمه. با این وجود، این استاندارد در صورتی برای ابزارهای مشتقه تعبیه شده در قراردادهای بیمه کاربرد دارد که استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 واحد تجاری را ملزم کرده باشد که آنها را جداگانه در نظر بگیرد. افزون بر این، در صورتی که ناشر، استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 را برای شناخت و اندازه‌گیری قراردادهای تضمین مالی بکار گیرد، باید این استاندارد را برای آن قراردادهای مورد استفاده قرار دهد، اما در صورتی که ناشر طبق بند 4(ت) استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4، استفاده از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را برای شناخت و اندازه‌گیری آنها انتخاب کند، باید استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را بکار گیرد.

ث. ابزارهای مالی که به دلیل دارا بودن ویژگی مشارکت اختیاری، در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۴ قرار می‌گیرند. ناشر این ابزارها، در ارتباط با ویژگیهای مزبور، از بکارگیری بندهای ۱۵ تا ۳۲ و 25 تا رپه ۳ این استاندارد که بدهیهای مالی و ابزارهای مالکانه را از یکدیگر متمایز می‌کند، معاف است. با این وجود، این ابزارها مشمول سایر الزامات این استاندارد می‌باشند. به علاوه، این استاندارد برای ابزارهای مشتقه تعبیه شده در این ابزارها، کاربرد دارد (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود).

ج. ابزارهای مالی، قراردادهای و تعهدات مربوط به معاملات پرداخت مبتنی بر سهام که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 2 پرداخت مبتنی بر سهام در مورد آنها کاربرد دارد، به استثنای

1. قراردادهایی که در دامنه کاربرد بندهای ۸ تا ۱۰ این استاندارد قرار می‌گیرد و این استاندارد در مورد آنها کاربرد دارد،

2. بندهای ۳۳ و ۳۴ این استاندارد که باید برای سهام خزانه خریداری شده، فروخته شده، منتشر شده یا ابطال شده در رابطه با طرحهای اختیار معامله سهام کارکنان، طرحهای خرید سهام کارکنان، و سایر توافقه‌های پرداخت مبتنی بر سهام بکار گرفته شود.

5 تا 7. [حذف شد]

8. این استاندارد باید برای قراردادهای خرید یا فروش اقسام غیرمالی که به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی، قابل تسویه است بکار گرفته شود، گویی اینکه این قراردادهای ابزار مالی بوده‌اند، به استثنای قراردادهایی که به منظور دریافت یا تحویل اقسام غیرمالی، مطابق با الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری، منعقد شده است و همچنان نگهداری می‌شود.

9. روشهای مختلفی برای تسویه قرارداد خرید یا فروش اقسام غیرمالی به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر

یا از طریق مبادله ابزارهای مالی وجود دارد. این روشها، شامل موارد زیر است:

الف. زمانی که شرایط قرارداد به هر یک از طرفین امکان تسویه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی را می‌دهد؛

ب. زمانی که امکان تسویه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی، در شرایط قرارداد تصریح نشده باشد، اما واحد تجاری سابقه تسویه قراردادهای مشابه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی را دارد (از طریق انعقاد قراردادهای تهاثر با طرف مقابل یا از طریق فروش قرارداد قبل از اعمال یا انقضا)؛

پ. زمانی که واحد تجاری برای قراردادهای مشابه، سابقه تحویل دارایی پایه و فروش آن در دوره کوتاهی پس از تحویل، با هدف کسب سود از نوسانهای کوتاه مدت قیمت یا کارمزد معامله‌گر، را دارد؛ و

ت. زمانی که اقلام غیرمالی موضوع قرارداد، از نقدشوندگی بالایی برخوردار است.

قراردادی که قسمتهای (ب) یا (پ) در مورد آن کاربرد دارد، به منظور دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری، منعقد نمی‌شود و در نتیجه در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد. سایر قراردادهایی که بند 8 برای آنها کاربرد دارد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا تعیین شود که آیا به منظور دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری، منعقد و همچنان نگهداری می‌شوند یا خیر، و بر این اساس مشخص می‌شود که در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند یا خیر.

10. اختیار معامله صادر شده برای خرید یا فروش یک قلم غیرمالی که به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی تسویه می‌شود، طبق بند 9 (الف) یا (ت)، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد. چنین قراردادی نمی‌تواند با هدف دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری منعقد شود.

تعاریف (به بندهای ۳ تا ۲۳ نیز مراجعه شود)

11. در این استاندارد، اصطلاحات زیر با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

ابزار مالی قراردادی است که برای یک واحد تجاری، دارایی مالی و برای واحد تجاری دیگر، بدهی مالی یا ابزار مالکانه ایجاد می‌کند.

دارایی مالی هر دارایی است که یکی از موارد زیر باشد:

الف. نقد؛

ب. ابزار مالکانه واحد تجاری دیگر؛

پ. حق قراردادی برای:

1. دریافت نقد یا دارایی مالی دیگر از واحد تجاری دیگر؛ یا

2. مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی با واحد تجاری دیگر، در شرایطی که بطور بالقوه برای واحد تجاری مطلوب است؛ یا

ت. قراردادی که از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، قابل تسویه است یا تسویه خواهد شد و:

1. ابزار غیرمشتقه‌ای است که واحد تجاری در ازای آن، نسبت به دریافت تعداد متغیری از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری متعهد است یا ممکن است متعهد شود؛ یا

2. ابزار مشتقه‌ای است که به روشی غیر از مبادله مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر با تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری قابل تسویه می‌باشد یا تسویه خواهد شد. برای این منظور، ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، شامل ابزارهای مالی قابل فروش که طبق بندهای ۱۶الف و ۱۶ب به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود، ابزارهایی که واحد تجاری را تنها در زمان انحلال، به انتقال سهم متناسبی از خالص داراییهای خود به طرف دیگر، متعهد می‌کند و طبق بندهای ۱۶پ و ۱۶ت به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی می‌شود، یا ابزارهایی که قراردادهایی برای دریافت یا تحویل آتی ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری است، نمی‌باشد.

بدهی مالی هر بدهی است که یکی از موارد زیر باشد:

الف. تعهد قراردادی برای:

1. تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر به واحد تجاری دیگر؛ یا

2. مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی با واحد تجاری دیگر، در شرایطی که بطور بالقوه برای واحد تجاری نامطلوب است؛ یا

ب. قراردادی که از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری قابل تسویه است یا تسویه خواهد شد و:

1. ابزار غیرمشتقه‌ای است که واحد تجاری در ازای آن، نسبت به تحویل تعداد متغیری از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، متعهد است یا ممکن است متعهد شود؛ یا

2. ابزار مشتقه‌ای است که به روشی غیر از مبادله مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر با تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، قابل تسویه می‌باشد یا تسویه خواهد شد. برای این منظور، حق تقدمها، اختیارهای معامله یا امتیازهای خرید جهت تحصیل تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی از هر واحد پول، در صورتی ابزار مالکانه محسوب می‌شود که واحد تجاری متناسب با تمام مالکان فعلی همان طبقه از ابزارهای مالکانه غیرمشتقه خود، حق تقدمها، اختیارهای معامله یا امتیازهای خرید را اعطا کند. همچنین برای این منظور، ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، شامل ابزارهای مالی قابل فروش به ناشر که طبق بندهای ۱۶ الف و ۱۶ ب به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود، ابزارهایی که واحد تجاری را تنها در زمان انحلال، به انتقال سهم متناسبی از خالص داراییهای خود به طرف دیگر، متعهد می‌کند و طبق بندهای ۱۶ پ و ۱۶ ت به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی می‌شود، یا ابزارهایی که قراردادهایی برای دریافت یا تحویل آتی ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری است، نمی‌باشد.

به عنوان یک استثنا، اگر ابزاری که تعریف بدهی مالی را احراز می‌کند، تمام ویژگیهای فوق را داشته باشد و شرایط بندهای ۱۶ الف و ۱۶ ب یا بندهای ۱۶ پ و ۱۶ ت را نیز احراز نماید، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود.

ابزار مالکانه قراردادی است که نشان‌دهنده منافع باقیمانده در داراییهای واحد تجاری پس از کسر تمام بدهیهای آن می‌باشد.

ارزش منصفانه قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود. (به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه مراجعه شود).

ابزار مالی قابل فروش به ناشر ابزار مالی است که حق فروش به ناشر را در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر، به دارنده می‌دهد یا به خودی خود، با وقوع رویداد آتی نامطمئن یا فوت یا بازنشستگی دارنده آن ابزار، به ناشر بازگردانده می‌شود.

12. اصطلاحات زیر، در بند ۹ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ تعریف شده است و در این استاندارد، با معانی مشخص در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- بهای مستهلک شده دارایی مالی یا بدهی مالی
- داراییهای مالی آماده برای فروش

- قطع شناخت
- ابزار مشتقه
- روش بهره مؤثر
- دارایی مالی یا بدهی مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره
- قرارداد تضمین مالی
- تعهد قطعی
- معامله پیش‌بینی‌شده
- اثربخشی مصون‌سازی
- قلم مصون‌شده
- ابزار مصون‌سازی
- سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید
- وامها و دریافتنی‌ها
- خرید و فروش به روش متداول
- مخارج معامله

13. در این استاندارد، "قرارداد" و "قراردادی"، به توافق بین دو یا چند طرف با پیامدهای اقتصادی مشخص اشاره دارد که طرفین اختیار محدودی، در صورت وجود، برای عدول از آن قرارداد دارند، زیرا معمولاً این توافق، ضمانت اجرایی قانونی دارد. قراردادهای و در نتیجه ابزارهای مالی، ممکن است شکلهای متنوعی داشته باشند و لزوماً مکتوب نباشند.

14. در این استاندارد، "واحد تجاری" شامل افراد، شرکتهای تضامنی، واحدهای ثبت‌شده، صندوقهای سرمایه‌گذاری و دستگاههای اجرایی است.

ارائه

بدهیها و حقوق مالکانه (به بندهای رب13 تا رب14 و رب25 تا رب29الف نیز مراجعه شود)

15. در زمان شناخت اولیه، ناشر ابزار مالی باید ابزاری اجزای آن را بر اساس ماهیت توافق قراردادی و تعاریف بدهی مالی، دارایی مالی و ابزار مالکانه، به عنوان بدهی مالی، دارایی مالی یا ابزار مالکانه طبقه‌بندی کند.

16. زمانی که ناشر تعاریف مندرج در بند ۱۱ را بکار می‌گیرد تا تعیین کند که ابزار مالی، ابزار مالکانه است یا

بدهی مالی، ابزار مزبور تنها در صورتی ابزار مالکانه است که هر دو شرط (الف) و (ب) زیر احراز گردد:

الف. ابزار شامل هیچ‌گونه تعهد قراردادی در موارد زیر نباشد:

1. تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر به واحد تجاری دیگر؛ یا

2. مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی با واحد تجاری دیگر، در شرایطی که بطور بالقوه برای ناشر نامطلوب است.

ب. در صورتی که ابزار از طریق ابزارهای مالکانه خود ناشر، تسویه شود یا قابل تسویه باشد:

1. ابزار غیرمشتقه‌ای باشد که هیچ‌گونه تعهد قراردادی برای تحویل تعداد متغیری از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری را در بر نداشته باشد؛ یا

2. ابزار مشتقه‌ای باشد که توسط ناشر، تنها از طریق مبادله مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر با تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود ناشر، تسویه شود. برای این منظور، حق تقدمها، اختیارهای معامله یا امتیازهای خرید تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی از هر واحد پول، در صورتی ابزار مالکانه محسوب می‌شود که واحد تجاری متناسب با تمام مالکان فعلی همان طبقه از ابزارهای مالکانه غیرمشتقه خود، حق تقدمها، اختیارهای معامله یا امتیازهای خرید را اعطا نماید. همچنین برای این منظور، ابزارهای مالکانه خود ناشر شامل ابزارهایی که تمام ویژگیها و شرایط مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای 16پ و ۱۶ت را احراز کنند، یا ابزارهایی که قراردادهایی برای دریافت یا تحویل آتی ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری باشند، نیست.

تعهد قراردادی، شامل تعهد ناشی از ابزار مالی مشتقه، که احتمالاً یا قطعاً منجر به دریافت یا تحویل آتی ابزارهای مالکانه خود ناشر خواهد شد، اما شرایط بند (الف) و (ب) فوق را احراز نمی‌کند، ابزار مالکانه محسوب نمی‌شود. به عنوان يك استثنا، اگر ابزاری که

تعریف بدهی مالی را احراز می‌کند، تمام ویژگیها و شرایط مندرج در بندهای ۱۶ الف و ۱۶ ب یا بندهای 16 پ و ۱۶ ت را احراز کند، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود.

ابزارهای قابل فروش به ناشر

۱۶ الف. ابزار مالی قابل فروش به ناشر، تعهد قراردادی ناشر برای بازخرید آن ابزار در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر، در صورت اعمال حق فروش است. به عنوان یک استثنا، بر تعریف بدهی مالی، ابزاری که شامل چنین تعهدی باشد، در صورت دارا بودن تمام ویژگیهای زیر، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود:

الف. در زمان انحلال، برای دارنده نسبت به سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری، ایجاد حق کند. خالص داراییهای واحد تجاری، به داراییهایی اطلاق می‌شود که پس از کسر تمام ادعاها نسبت به آن داراییها، باقی می‌ماند. سهم متناسب به صورت زیر تعیین می‌شود:

1. تقسیم خالص داراییهای واحد تجاری در زمان انحلال به واحدهای با مبالغ مساوی؛ و
2. ضرب مبلغ به دست آمده در تعداد واحدهای نگهداری‌شده توسط دارنده ابزار مالی.

ب. آن ابزار، در طبقه‌ای از ابزارها قرار گرفته باشد که در مقایسه با سایر طبقات ابزارها، در پایین‌ترین اولویت است. برای اینکه ابزار مالی چنین ویژگی داشته باشد، باید:

1. هنگام انحلال، در مقایسه با سایر ادعاها نسبت به داراییهای واحد تجاری، اولویت نداشته باشد، و

2. برای قرار گرفتن در طبقه‌ای از ابزارها که در مقایسه با سایر طبقات ابزارها در پایین‌ترین اولویت است، نیازی نباشد که به ابزار دیگری تبدیل شود.

پ. تمام ابزارهای مالی موجود در طبقه ابزارهایی که نسبت به سایر طبقات ابزارها در پایین‌ترین اولویت هستند، ویژگیهای یکسانی داشته باشند. برای مثال، تمام آنها باید قابل فروش باشند و فرمول یا سایر روشهای مورد استفاده برای محاسبه قیمت بازخرید، برای تمام ابزارهای آن طبقه یکسان باشد.

ت. به غیر از تعهد قراردادی ناشر به بازخرید آن ابزار در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر، ابزار مزبور دربردارنده هیچ تعهد قراردادی برای تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر به واحد تجاری دیگر، یا برای مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی با واحد تجاری دیگر، در شرایطی که بطور بالقوه برای واحد تجاری نامطلوب است، نباشد و آن ابزار، قراردادی نباشد که به شیوه تعیین‌شده در قسمت (ب) تعریف بدهی مالی، از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری قابل تسویه باشد یا در آینده تسویه گردد.

ث. مجموع جریانهای نقدی مورد انتظار قابل انتساب به آن ابزار در طول عمر ابزار، اساساً مبتنی بر سود یا زیان دوره، تغییر در خالص داراییهای شناسایی‌شده یا تغییر در ارزش منصفانه شناسایی‌شده و شناسایی‌نشده خالص داراییهای واحد تجاری در طول عمر آن ابزار (به استثنای هرگونه آثار آن ابزار) باشد.

۱۶ب. برای آنکه ابزاری به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی شود، علاوه بر اینکه ابزار باید تمام ویژگیهای بالا را داشته باشد، ناشر نباید هیچ ابزار یا قرارداد مالی دیگری داشته باشد که:

الف. مجموع جریانهای نقدی آن، اساساً مبتنی بر سود یا زیان دوره، تغییر در خالص داراییهای شناسایی‌شده یا تغییر در ارزش منصفانه شناسایی‌شده و شناسایی‌نشده خالص داراییهای واحد تجاری (به استثنای هرگونه آثار چنین ابزار یا قراردادی) است؛ و

ب. بر بازده باقیمانده دارندگان ابزار قابل فروش به ناشر، بطور قابل ملاحظه‌ای اثر محدودکننده یا تثبیت‌کننده دارد.

برای رعایت این شرط، واحد تجاری نباید قراردادهای غیرمالی با دارنده ابزار مالی توصیف‌شده در بند ۱۶الف را که مفاد و شرایط قراردادی آن، مشابه با مفاد و شرایط قراردادی قرارداد معادلی است که بین طرفی به جز دارنده ابزار و واحد تجاری ناشر ممکن است منعقد گردد، در نظر بگیرد. اگر واحد تجاری نتواند احراز این شرط را اثبات کند، نباید ابزار قابل فروش به ناشر را به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی نماید.

ابزارها یا اجزای ابزارها، که واحد تجاری را متعهد می‌کند تنها در زمان انحلال، سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری را به طرف دیگر تحویل دهد

۱۶پ. برخی ابزارهای مالی، در برگیرنده تعهد قراردادی واحد تجاری ناشر برای تحویل سهم متناسبی از خالص داراییهای خود به طرف دیگر، تنها در زمان انحلال است. تعهد به این دلیل ایجاد می‌شود که وقوع انحلال قطعی و خارج از کنترل واحد تجاری (برای مثال، واحد تجاری با عمر محدود) یا غیرقطعی و در اختیار دارنده ابزار است. به عنوان یک استثنا در تعریف بدهی مالی، ابزاری که در برگیرنده چنین تعهدی باشد، در صورتی که تمام شرایط زیر را احراز کند، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود:

الف. در زمان انحلال، برای دارنده، نسبت به سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری، ایجاد حق کند. خالص داراییهای واحد تجاری به داراییهایی اطلاق می‌شود که پس از کسر تمام ادعاها نسبت به آن داراییها باقی می‌ماند. سهم متناسب به صورت زیر تعیین می‌شود:

1. تقسیم خالص داراییهای واحد تجاری در زمان انحلال به واحدهای با مبالغ مساوی؛ و
2. ضرب مبلغ به دست آمده در تعداد واحدهای نگهداری شده توسط دارنده ابزار مالی.

ب. آن ابزار، در طبقه‌ای از ابزارها قرار گرفته باشد که در مقایسه با سایر طبقات ابزارها، در پایین‌ترین اولویت است. برای اینکه ابزار مالی چنین ویژگی داشته باشد، باید:

1. هنگام انحلال، در مقایسه با سایر ادعاها نسبت به داراییهای واحد تجاری، اولویت نداشته باشد، و

2. برای قرار گرفتن در طبقه‌ای از ابزارها که در مقایسه با سایر طبقات ابزارها در پایین‌ترین اولویت است، نیازی نباشد که به ابزار دیگری تبدیل شود.

پ. تمام ابزارهای مالی موجود در طبقه ابزارهایی که نسبت به سایر طبقات ابزارها در پایین‌ترین اولویت است، باید تعهد قراردادی یکسانی برای واحد تجاری ناشر به منظور تحویل سهم متناسبی از خالص داراییهای آن در زمان انحلال، ایجاد کنند.

۱۶. برای آنکه ابزاری به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی شود، علاوه بر اینکه ابزار باید تمام ویژگیهای بالا را داشته باشد، ناشر نباید هیچ ابزار یا قرارداد مالی دیگری داشته باشد که:

الف. مجموع جریانهای نقدی آن، اساساً مبتنی بر سود یا زیان دوره، تغییر در خالص داراییهای شناسایی‌شده یا تغییر در ارزش منصفانه شناسایی‌شده و شناسایی‌نشده خالص داراییهای واحد تجاری (به استثنای هرگونه آثار چنین ابزار یا قراردادی) است؛ و

ب. بر بازده باقیمانده دارندگان ابزار، بطور قابل ملاحظه‌ای اثر محدودکننده یا تثبیت‌کننده دارد.

برای رعایت این شرط، واحد تجاری نباید قراردادهای غیرمالی با دارنده ابزار مالی توصیف‌شده در بند ۱۶ پ را که مفاد و شرایط قراردادی آن، مشابه با مفاد و شرایط قراردادی قرارداد معادلی است که بین طرفی به جز دارنده ابزار و واحد تجاری ناشر ممکن است منعقد گردد، در نظر بگیرد. اگر واحد تجاری نتواند احراز این شرط را اثبات کند، نباید این ابزار را به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی نماید.

تجدید طبقه‌بندی ابزارهای قابل فروش به ناشر و ابزارهایی که واحد تجاری را متعهد می‌کند تنها در زمان انحلال، سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری را به طرف دیگر تحویل دهد

۱۶ث. واحد تجاری باید طبق بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا ۱۶پ و ۱۶ت، ابزار مالی را از تاریخی که آن ابزار، از تمام ویژگیهای مورد نظر برخوردار می‌شود و تمام شرایط تعیین‌شده در آن بندها را احراز می‌کند، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی کند. واحد تجاری باید ابزار مالی را از تاریخی که تمام ویژگیها و شرایط تعیین‌شده در بندهای مذکور را احراز نمی‌کند، تجدید طبقه‌بندی نماید. برای مثال، اگر واحد تجاری تمام ابزارهای منتشرشده خود را که قابل فروش به ناشر نیست، بازخرید نماید و هرگونه ابزار قابل فروش به ناشر که جاری باقی مانده است تمام ویژگیها و شرایط مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب را احراز کند، واحد تجاری باید از تاریخ بازخرید ابزارهای غیر قابل فروش به ناشر، ابزارهای قابل فروش به ناشر را به عنوان ابزارهای مالکانه تجدید طبقه‌بندی نماید.

۱۶ج. واحد تجاری باید تجدید طبقه‌بندی ابزار مالی طبق بند ۱۶ث را به شرح زیر انجام دهد:

الف. از تاریخی که ابزار مالی فاقد تمام ویژگیها و شرایط مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا ۱۶پ و ۱۶ت می‌شود، باید از ابزار مالکانه به بدهی مالی تجدید طبقه‌بندی شود. بدهی مالی باید به ارزش منصفانه ابزار مالی در تاریخ تجدید طبقه‌بندی اندازه‌گیری شود. واحد تجاری باید هرگونه تفاوت بین مبلغ دفتری ابزار مالکانه و ارزش منصفانه بدهی مالی در تاریخ تجدید طبقه‌بندی را در حقوق مالکانه شناسایی کند.

ب. از تاریخی که ابزار مالی تمام ویژگیها و شرایط مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای ۱۶پ و ۱۶ت را احراز می‌کند، باید از بدهی مالی به ابزار مالکانه تجدید طبقه‌بندی شود. ابزار مالکانه باید به مبلغ دفتری بدهی مالی در تاریخ تجدید طبقه‌بندی اندازه‌گیری شود.

نبود تعهد قراردادی برای تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر (بند ۱۶الف)

۱۷. به استثنای شرایط توصیف‌شده در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا ۱۶پ و ۱۶ت، مهم‌ترین ویژگی در تمایز بدهی مالی از ابزار مالکانه، وجود تعهد قراردادی برای یک طرف ابزار مالی (ناشر) جهت تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر به طرف دیگر (دارنده) یا مبادله داراییهای مالی یا

بدهیهای مالی با دارنده در شرایطی است که بطور بالقوه برای ناشر نامطلوب می‌باشد. با وجود اینکه دارنده ابزار مالکانه ممکن است نسبت به دریافت سهم متناسبی از سود تقسیمی یا دیگر توزیعهای مالکانه حق داشته باشد، اما ناشر، تعهد قراردادی برای چنین توزیع منابعی ندارد، زیرا نمیتوان آن را به تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر به طرف دیگر ملزم کرد.

۱۸. در طبقه‌بندی ابزارهای مالی در صورت وضعیت مالی واحد تجاری، محتوای ابزار مالی بر شکل قانونی آن رجحان دارد. محتوا و شکل قانونی، معمولاً، اما نه همیشه، سازگار هستند. برخی ابزارهای مالی، شکل قانونی مالکانه دارند اما از نظر محتوا، بدهی هستند و برخی دیگر ممکن است ترکیبی از ویژگیهای ابزارهای مالکانه و بدهیهای مالی را داشته باشند. برای مثال:

الف. سهام ممتازی که متضمن بازخرید اجباری توسط ناشر به مبلغ ثابت یا قابل تعیین در تاریخ مشخص یا قابل تعیین در آینده است، یا به دارنده حق می‌دهد که ناشر را به بازخرید آن ابزار در تاریخ مشخص یا پس از تاریخی مشخص به مبلغی ثابت یا قابل تعیین ملزم کند، بدهی مالی محسوب می‌شود.

ب. ابزار مالی که به دارنده، حق فروش آن به ناشر در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر را می‌دهد (ابزار قابل فروش به ناشر)، بدهی مالی محسوب می‌شود، به استثنای ابزارهایی که طبق بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا ۱۶پ و ۱۶ت، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌گردد. حتی در مواردی که مبلغ نقد یا دارایی مالی دیگر، بر مبنای شاخص یا عامل دیگری که امکان افزایش یا کاهش آن وجود دارد تعیین شود، ابزار مالی، بدهی مالی محسوب می‌شود. وجود اختیار برای دارنده جهت فروش ابزار به ناشر در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر به این معنی است که ابزار قابل فروش به ناشر، به استثنای ابزارهایی که طبق بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا ۱۶پ و ۱۶ت به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود، تعریف بدهی مالی را احراز می‌کند. برای مثال، صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه متغیر، صندوقهای سرمایه‌گذاری ویژه، شرکتهای تضامنی و برخی شرکتهای تعاونی ممکن است به دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری یا اعضای خود، حق بازخرید نقدی منافع آنها در هر زمان را اعطا کند که موجب می‌شود منافع اعضا یا دارندگان واحدهای

سرمایه‌گذاری، به عنوان بدهی مالی طبقه‌بندی شود، مگر در مواردی که آن ابزار طبق بندهای ۱۶ الف و ۱۶ ب یا ۱۶ پ و ۱۶ ت، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌گردد. با وجود این، طبقه‌بندی به عنوان بدهی مالی، مانع آن نمی‌شود که از عناوینی مانند "خالص ارزش دارایی‌های قابل انتساب به دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری" و "تغییر در خالص ارزش دارایی‌های قابل انتساب به دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری" در صورتهای مالی واحد تجاری که هیچ سرمایه پرداخت‌شده‌ای ندارد (مانند برخی صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک و صندوقهای سرمایه‌گذاری ویژه، به مثال ۷ مراجعه شود) استفاده شود یا به منظور نشان دادن مجموع منافع اعضا که از اقلامی نظیر اندوخته‌هایی که تعریف حقوق مالکانه را احراز می‌کنند و ابزارهای قابل فروش به ناشر که تعریف حقوق مالکانه را ندارند (به مثال ۸ مراجعه شود) تشکیل شده است، افشای بیشتری انجام شود.

۱۹. اگر واحد تجاری حق بی‌قید و شرط برای اجتناب از تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر جهت تسویه تعهد قراردادی نداشته باشد، این تعهد، تعریف بدهی مالی را احراز می‌کند، به استثنای ابزارهایی که طبق بندهای ۱۶ الف و ۱۶ ب یا ۱۶ پ و ۱۶ ت، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شود. برای مثال:

الف. محدودیت در توانایی واحد تجاری برای ایفای تعهدات قراردادی، نظیر عدم دسترسی به ارز یا نیاز به کسب مجوز پرداخت از یک نهاد نظارتی، تعهد قراردادی واحد تجاری یا حق قراردادی دارنده ابزار را از بین نمی‌برد.

ب. تعهد قراردادی که مشروط به اعمال حق بازخرید توسط طرف دیگر قرارداد است، بدهی مالی محسوب می‌شود، زیرا واحد تجاری حق بی‌قید و شرط برای اجتناب از تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر ندارد.

۲۰. یک ابزار مالی که تعهد قراردادی صریحی برای انتقال نقد یا دارایی مالی دیگر ندارد ممکن است بطور غیرمستقیم، از طریق مفاد و شرایط آن، تعهد ایجاد کند. برای مثال:

الف. ابزار مالی ممکن است شامل تعهد غیرمالی باشد که تنها در صورتی باید تسویه شود که واحد تجاری در توزیع منابع یا بازخرید آن ابزار ناتوان باشد. اگر

واحد تجاري بتواند تنها از طريق تسويه اين تعهد غيرمالي، از انتقال نقد يا دارايي مالي ديگر اجتناب کند، ابزار مالي، بدهي مالي محسوب مي‌شود.

ب. در صورتي که تسويه ابزار مالي، مشروط به تحويل يکي از موارد زير باشد، بدهي مالي محسوب مي‌شود:

1. نقد يا دارايي مالي ديگر؛ يا
2. سهام خود واحد تجاري، که ارزش آن بطور قابل ملاحظه‌اي بيشتر از ارزش نقد يا دارايي مالي ديگر است.

با وجود اينکه واحد تجاري تعهد قراردادي صريحي براي تحويل نقد يا دارايي مالي ديگر ندارد، ارزش‌گزينه تسويه با سهام به‌گونه‌اي است که واحد تجاري ابزار مالي را با نقد تسويه خواهد کرد. در هر صورت، به لحاظ محتوا، دريافت مبلغی که حداقل برابر با اختيار تسويه نقدي است، براي دارنده تضمين شده است (به بند ۲۱ مراجعه شود).

تسويه از طريق ابزارهاي مالکانه خود واحد تجاري (بند ۱۶(ب))

21. يك قرارداد تنها به اين دليل که ممکن است منجر به دريافت يا تحويل ابزارهاي مالکانه خود واحد تجاري شود، ابزار مالکانه محسوب نمی‌شود. واحد تجاري ممکن است حق يا تعهد قراردادي براي دريافت يا تحويل تعدادی سهام يا ساير ابزارهاي مالکانه خود را داشته باشد که تغيير آن به‌گونه‌ای است که ارزش منصفانه ابزارهاي مالکانه قابل دريافت يا قابل تحويل خود واحد تجاري، برابر با مبلغ حق يا تعهد قراردادي می‌شود. اين حق يا تعهد قراردادي، ممکن است در ازای مبلغ ثابت يا در ازای مبلغی باشد که بطور کامل يا جزئی، در واکنش به تغييرات متغيري غير از قيمت بازار ابزارهاي مالکانه خود واحد تجاري (براي مثال، نرخ بهره، قيمت کالا يا قيمت ابزار مالي) نوسان می‌کند. دو مثال در اين زمينه عبارتند از (الف) قرارداد تحويل تعدادي از ابزارهاي مالکانه واحد تجاري که ارزش آن ۱۰۰ واحد پول است و (ب) قرارداد تحويل تعدادي از ابزارهاي مالکانه واحد تجاري که ارزش آن برابر با ارزش ۱۰۰ اونس طلا است. چنين قراردادي بدهي مالي واحد تجاري است، حتي اگر واحد تجاري ملزم باشد يا بتواند آن را از طريق تحويل ابزارهاي مالکانه خود تسويه کند. اين قرارداد، به اين دليل ابزار مالکانه محسوب نمی‌شود که واحد تجاري براي تسويه آن، از تعداد متغيري از ابزارهاي مالکانه خود

استفاده می‌کند. بنابراین، این قرارداد بیانگر منافع باقیمانده در داراییهای واحد تجاری پس از کسر تمام بدهیهای آن نیست.

۲۲. به استثنای موارد بیان‌شده در بند ۲۲الف، قراردادی که با (دریافت یا) تحویل تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر تسویه خواهد شد، ابزار مالکانه است. برای مثال، اختیار معامله سهام منتشرشده که به طرف مقابل، حق خرید تعداد ثابتی از سهام واحد تجاری در ازای قیمت ثابت یا در ازای اوراق قرضه با مبلغ اصل ثابت و اظهارشده را می‌دهد، ابزار مالکانه محسوب می‌شود. تغییرات ناشی از نوسان نرخهای بهره بازار در ارزش منصفانه قرارداد، که در زمان تسویه قرارداد بر مبلغ نقد یا سایر داراییهای مالی قابل پرداخت یا دریافت، یا تعداد ابزارهای مالکانه قابل دریافت یا قابل تحویل تأثیری ندارد، مانع آن نمی‌شود که قرارداد به عنوان ابزار مالکانه تلقی شود. هرگونه مابه‌ازای دریافت شده (مانند صرف دریافتی بابت اختیار معامله صادرشده یا امتیاز خرید سهام خود واحد تجاری) بطور مستقیم به حقوق مالکانه اضافه می‌شود. هرگونه مابه‌ازای پرداخت‌شده (مانند صرف پرداختی بابت اختیار معامله خریداری‌شده) بطور مستقیم از حقوق مالکانه کسر می‌شود. تغییر در ارزش منصفانه ابزار مالکانه در صورتهای مالی شناسایی نمی‌شود.

۲۲الف. اگر ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری که در زمان تسویه قرارداد توسط واحد تجاری قابل دریافت یا قابل تحویل است، ابزارهای مالی قابل فروش به ناشر باشند که تمام ویژگیها و شرایط مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب را احراز می‌کنند، یا ابزارهایی باشند که واحد تجاری را تنها در زمان تسویه، به تحویل سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری به طرف دیگر، متعهد می‌کنند و تمام شرایط مندرج در بندهای ۱۶پ و ۱۶ت را احراز می‌نمایند، این قرارداد، دارایی مالی یا بدهی مالی محسوب می‌شود. این موضوع، برای قراردادی که از طریق دریافت یا تحویل تعداد ثابتی از چنین ابزارهایی در ازای مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر، تسویه خواهد شد نیز مصداق دارد.

۲۳. به استثنای شرایط توصیف‌شده در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا ۱۶پ و ۱۶ت، قراردادی که واحد تجاری را به خرید ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری در ازای نقد یا

دارایی مالی دیگر، متعهد می‌کند، منجر به بدهی مالی به ارزش فعلی مبلغ بازخرید می‌شود (برای مثال، به ارزش فعلی قیمت بازخرید آتی، قیمت اعمال اختیار معامله یا سایر مبالغ بازخرید). این مورد حتی برای قراردادهایی که خود، ابزار مالکانه هستند نیز مصداق دارد. برای مثال، می‌توان از تعهد واحد تجاری طبق پیمان آتی برای خرید نقدی ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری نام برد. در ابتدا بدهی مالی به ارزش فعلی مبلغ بازخرید شناسایی و از حقوق مالکانه، تجدید طبقه‌بندی می‌شود. پس از آن، بدهی مالی طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 اندازه‌گیری می‌گردد. اگر این قرارداد، بدون تحویل منقضي گردد، مبلغ دفتری آن بدهی مالی، به حقوق مالکانه تجدید طبقه‌بندی می‌شود. تعهد قراردادی واحد تجاری برای خرید ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، منجر به بدهی مالی به ارزش فعلی مبلغ بازخرید می‌شود؛ حتی اگر تعهد خرید، مشروط به اعمال حق بازخرید توسط طرف مقابل باشد (برای مثال، اختیار فروش صادرشده که به طرف مقابل، حق فروش ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری را در ازای قیمتی ثابت اعطا می‌کند).

۲۴. قراردادی که از طریق تحویل یا دریافت تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری در ازای مبلغ متغیری نقد یا دارایی مالی دیگر تسویه می‌شود، دارایی مالی یا بدهی مالی است. برای مثال، می‌توان به قرارداد تحویل ۱۰۰ عدد ابزار مالکانه خود واحد تجاری در ازای مبلغی نقد که براساس ارزش ۱۰۰ اونس طلا محاسبه شده است، اشاره کرد.

شرایط تسویه احتمالی

۲۵. ابزار مالی ممکن است در صورت وقوع یا عدم وقوع رویدادهای آتی نامطمئن (یا در نتیجه شرایط نامطمئن) که خارج از کنترل ناشر و دارنده ابزار است، مانند تغییر شاخص بازار سهام، شاخص قیمت مصرف‌کننده، نرخ بهره، یا الزامات مالیاتی، یا درآمدها، سود خالص یا نسبت بدهی به حقوق مالکانه آتی ناشر، واحد تجاری را به تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر یا در غیر این صورت، تسویه آن به شیوه‌ای همانند بدهی مالی ملزم کند. ناشر این ابزار، حق بی‌قید و شرط برای اجتناب از تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر (یا تسویه آن همانند بدهی مالی) را ندارد. بنابراین، این ابزار، بدهی مالی ناشر است مگر اینکه:

- الف. آن بخش از شرایط تسویه احتمالی که می‌تواند تسویه از طریق نقد یا دارایی مالی دیگر (یا به شیوه‌ای همانند یک بدهی مالی) را الزامی کند، واقعی نباشد؛
- ب. تنها در زمان وقوع انحلال ناشر، بتوان ناشر را به تسویه تعهد از طریق نقد یا دارایی مالی دیگر (یا در غیر این صورت، تسویه به شیوه‌ای همانند بدهی مالی) ملزم کرد؛ یا
- پ. آن ابزار از تمام ویژگیهای مورد نظر برخوردار باشد و شرایط بندهای ۱۶ الف و ۱۶ ب را احراز کند.

اختیارهای تسویه

۲۶. زمانی که ابزار مالی مشتقه، به یک طرف قرارداد در مورد نحوه تسویه اختیار می‌دهد (برای مثال، ناشر یا دارنده، اختیار دارند تسویه را به صورت خالص از طریق نقد یا مبادله سهام با نقد انجام دهند)، آن ابزار دارایی مالی یا بدهی مالی محسوب می‌شود، مگر اینکه تمام گزینه‌های تسویه منجر به این شود که آن ابزار، مالکانه تلقی گردد.

۲۷. یک مثال از ابزار مالی مشتقه با اختیار تسویه که بدهی مالی محسوب می‌شود، اختیار معامله سهامی است که ناشر می‌تواند آن را به صورت خالص از طریق نقد یا مبادله سهام خود با نقد تسویه کند. همچنین، برخی قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی در ازای ابزارهای خود واحد تجاری، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند، زیرا از طریق تحویل اقلام غیرمالی یا به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، قابل تسویه هستند (به بندهای ۸ تا ۱۰ مراجعه شود). چنین قراردادهایی، داراییهای مالی یا بدهیهای مالی محسوب می‌شوند و ابزارهای مالکانه نیستند.

ابزارهای مالی مرکب (به بندهای ۳۰ تا ۳۵ و مثالهای ۹ تا ۱۲ نیز مراجعه شود)

28. ناشر یک ابزار مالی غیرمشتقه، باید شرایط ابزار مالی را از نظر وجود هر دو جزء بدهی و حقوق مالکانه، ارزیابی کند. این اجزا باید طبق بند 15، بطور جداگانه به عنوان بدهیهای مالی، داراییهای مالی یا ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی شوند.

۲۹. واحد تجاری اجزای ابزار مالی را که (الف) برای واحد تجاری بدهی مالی ایجاد می‌کند و (ب) به دارنده ابزار اختیار می‌دهد آن را به ابزار مالکانه واحد تجاری تبدیل کند، بطور جداگانه شناسایی می‌نماید. برای مثال، اوراق قرضه یا ابزار مشابهی که توسط دارنده، به تعداد ثابتی از سهام عادی واحد تجاری قابل تبدیل می‌باشد، یک ابزار مالی مرکب است. از دیدگاه واحد تجاری، چنین

ابزاری دو جزء دارد: بدهی مالی (توافق قراردادی برای تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر) و ابزار مالکانه (اختیار خریدی که به دارنده حق می‌دهد، در دوره زمانی مشخص، آن را به تعداد ثابتی سهام عادی واحد تجاری تبدیل کند). اثر اقتصادی انتشار چنین ابزاری، تا حد زیادی مشابه انتشار همزمان ابزار بدهی با شرایط تسویه پیش از سررسید و امتیاز خرید سهام عادی، یا انتشار ابزار بدهی همراه با امتیاز خرید سهام قابل تفکیک است. در نتیجه، در تمام موارد، واحد تجاری اجزای بدهی و حقوق مالکانه را در صورت وضعیت مالی، جداگانه ارائه می‌کند.

۳۰. طبقه‌بندی اجزای بدهی و حقوق مالکانه ابزار قابل تبدیل، در نتیجه تغییر احتمال اعمال اختیار تبدیل مورد تجدیدنظر قرار نمی‌گیرد، حتی در مواردی که اعمال اختیار تبدیل از نظر اقتصادی به نفع برخی دارندگان باشد. دارندگان ممکن است همواره به گونه‌ای که انتظار می‌رود، رفتار نکنند زیرا، برای مثال، آثار مالیاتی ناشی از تبدیل ممکن است برای آنها متفاوت باشد. افزون بر این، احتمال تبدیل در طول زمان تغییر می‌کند. تعهد قراردادی واحد تجاری برای پرداختهای آتی، تا زمانی که از طریق تبدیل، سررسید شدن ابزار یا معامه‌ای دیگر خاتمه نیافته است، باقی می‌ماند.

۳۱. استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، مربوط به اندازه‌گیری داراییهای مالی و بدهیهای مالی است. ابزارهای مالکانه ابزارهایی هستند که بیانگر حق باقیمانده در داراییهای واحد تجاری پس از کسر تمام بدهیهای آن می‌باشند. بنابراین، زمانی که مبلغ دفتری اولیه یک ابزار مالی مرکب به اجزای بدهی و حقوق مالکانه آن تخصیص می‌یابد، مازاد ارزش منصفانه کل ابزار مالی مرکب نسبت به مبلغی که بطور جداگانه برای جزء بدهی تعیین شده است، به جزء حقوق مالکانه تخصیص می‌یابد. ارزش هرگونه ویژگی مشتقه (مانند اختیار خرید) که علاوه بر جزء حقوق مالکانه (مانند اختیار تبدیل به سهام) در ابزار مالی مرکب تعبیه می‌شود، بخشی از جزء بدهی محسوب می‌گردد. مجموع مبالغ دفتری تخصیص‌یافته به اجزای بدهی و مالکانه در زمان شناخت اولیه، همواره با ارزش منصفانه قابل انتساب به کل ابزار مالی مرکب برابر است. از شناخت اولیه اجزای یک ابزار بطور جداگانه، سود یا زیانی حاصل نمی‌شود.

۳۲. طبق رویکرد توصیف‌شده در بند ۳۱، ناشر اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام عادی، نخست مبلغ دفتری جزء بدهی را با اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی مشابه (شامل تمام ویژگی‌های مشتقه غیرمالکانه تعبیه شده) فاقد جزء حقوق مالکانه، تعیین می‌کند. سپس مبلغ دفتری ابزار مالکانه، که بیانگر اختیار تبدیل آن ابزار به سهام عادی است، از طریق کسر ارزش منصفانه بدهی مالی از ارزش منصفانه کل ابزار مالی مرکب، تعیین می‌شود.

سهام خزانه (به بند ر۳۶ نیز مراجعه شود)

۳۳. در صورتی که واحد تجاری ابزارهای مالکانه خود را بازخرید کند، این ابزارها (سهام خزانه) باید از حقوق مالکانه کسر شود. در زمان خرید، فروش، انتشار یا ابطال ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، هیچ‌گونه سود یا زیانی نباید در سود یا زیان دوره شناسایی شود. سهام خزانه ممکن است توسط واحد تجاری یا سایر اعضای گروه تلفیقی خریداری و نگهداری شود. مابه‌ازای پرداختی یا دریافتی باید بطور مستقیم در بخش حقوق مالکانه شناسایی گردد.

۳۴. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ ارائه صورتهای مالی، مبلغ سهام خزانه نگهداری‌شده، بطور جداگانه در صورت وضعیت مالی یا یادداشت‌های توضیحی افشا می‌شود. در صورتی که واحد تجاری ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری را از اشخاص وابسته بازخرید نماید، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 2۴ افشای اطلاعات اشخاص وابسته، اطلاعات را افشا می‌کند.

بهره، سود تقسیمی، زیانها و سودها (به بند ر۳7 نیز مراجعه شود)

35. بهره، سود تقسیمی، سودها و زیانهای مربوط به یک ابزار مالی یا جزئی که بدهی مالی محسوب می‌شود، باید به عنوان درآمد یا هزینه، در سود یا زیان دوره شناسایی شود. توزیع منابع بین دارندگان ابزار مالکانه، باید بطور مستقیم در حقوق مالکانه شناسایی گردد. مخارج معامله مربوط به معاملات حقوق مالکانه، باید به عنوان کاهشده حقوق مالکانه منظور شود.

35الف. مالیات بر درآمد مرتبط با توزیع منابع بین دارندگان ابزار مالکانه و مالیات بر درآمد مرتبط با مخارج معامله مربوط به معاملات حقوق مالکانه، باید طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 12 مالیات بر درآمد به حساب گرفته شود.

۳۶. طبقه‌بندی یک ابزار مالی به عنوان بدهی مالی یا ابزار مالکانه، تعیین‌کننده این است که آیا شناسایی بهره، سود تقسیمی، سودها و زیانهای مربوط به آن ابزار به عنوان درآمد یا هزینه در سود یا زیان دوره شناسایی شود یا خیر. بنابراین، پرداخت سود به سهامی که بطور

کامل به عنوان بدهی شناسایی می‌شود، همانند بهره اوراق قرضه، به عنوان هزینه شناسایی می‌گردد. همچنین، سودها و زیانهای مربوط به بازخرید یا تأمین مالی مجدد بدهیهای مالی، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود، در حالی که بازخرید یا تأمین مالی مجدد ابزارهای مالکانه، به عنوان تغییر در حقوق مالکانه شناسایی می‌گردد. تغییر در ارزش منصفانه ابزار مالکانه، در صورتهای مالی شناسایی نمی‌شود.

۳۷. واحد تجاری معمولاً هنگام انتشار یا تحصیل ابزارهای مالکانه، مخارج مختلفی را متحمل می‌شود. این مخارج ممکن است شامل حق‌الزحمه ثبت و سایر حق‌الزحمه‌های قانونی، مبالغ پرداختی به مشاوران حقوقی، حسابداری و سایر مشاوران حرفه‌ای، مخارج چاپ و حق تمبیر باشد. مخارج معامله مربوط به معاملات حقوق مالکانه تا میزانی که این مخارج، بطور مستقیم قابل انتساب به معاملات حقوق مالکانه باشد و در صورت انجام نشدن معامله، بتوان از آن اجتناب کرد، به عنوان کاهنده حقوق مالکانه منظور می‌شود. مخارج معامله حقوق مالکانه‌ای که متوقف شده است، به عنوان هزینه شناسایی می‌شود.

۳۸. مخارج معامله مربوط به انتشار یک ابزار مالی مرکب، متناسب با تخصیص عواید، به اجزای بدهی و مالکانه آن ابزار تخصیص داده می‌شود. مخارج معامله در صورتی که بطور مشترک به بیش از یک معامله مربوط باشد (برای مثال، مخارج عرضه تعدادی سهام همزمان با پذیرش تعدادی سهم دیگر در بورس اوراق بهادار) با استفاده از مبنای منطقی و سازگار با معاملات مشابه، به آن معاملات تخصیص می‌یابد.

۳۹. مبلغ مخارج معامله که طی دوره به عنوان کاهنده حقوق مالکانه محسوب می‌شود، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، بطور جداگانه افشا می‌شود.

۴۰. سود تقسیمی طبقه‌بندی‌شده به عنوان هزینه، ممکن است در صورت(های) سود یا زیان و سایر اقلام سود و زیان جامع، همراه با بهره سایر بدهیها یا به صورت یک قلم جداگانه ارائه شود. افزون بر الزامات این استاندارد، افشای بهره و سود تقسیمی، مشمول الزامات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ است. در برخی شرایط، به دلیل تفاوت بین بهره و سود تقسیمی در رابطه با موضوعاتی نظیر مشمول مالیات بودن، افشای جداگانه آنها در صورت(های) سود یا زیان و

سایر اقلام سود و زیان جامع مناسب است. افشای آثار مالیاتی، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۲ انجام می‌شود.

۴۱. سودها و زیانهای مربوط به تغییر در مبلغ دفتری بدهی مالی، حتی زمانی که مربوط به ابزاری هستند که دربردارنده حق نسبت به منافع باقیمانده در داراییهای واحد تجاری در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر می‌باشد، به عنوان درآمد یا هزینه در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود (به بند 18(ب) مراجعه شود). طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، واحد تجاری هرگونه سود یا زیان ناشی از تجدید اندازه‌گیری چنین ابزارهایی را، در صورت مربوط بودن به توضیح عملکرد واحد تجاری، بطور جداگانه در صورت سود و زیان جامع ارائه می‌کند.

تهاثر دارایی مالی و بدهی مالی (به بندهای رب38 الف تا رب38 ج و رب39 نیز مراجعه شود)

۴۲. دارایی مالی و بدهی مالی تنها زمانی باید تهاثر شود و به صورت مبلغ خالص در صورت وضعیت مالی ارائه گردد که واحد تجاری:

الف. در حال حاضر، حق قانونی قابل اعمال برای تهاثر مبالغ شناسایی شده داشته باشد؛ و

ب. قصد داشته باشد یا به صورت خالص تسویه کند یا همزمان با نقد کردن دارایی، بدهی را تسویه نماید.

در رابطه با انتقال دارایی مالی که واجد شرایط قطع شناخت نمی‌باشد، واحد تجاری نباید دارایی انتقال‌یافته و بدهی مربوط به آن را تهاثر کند (به بند 36 استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 مراجعه شود).

۴۳. این استاندارد، ارائه داراییهای مالی و بدهیهای مالی به صورت خالص را زمانی الزامی می‌کند که چنین اقدامی، جریانهای نقدی آتی مورد انتظار واحد تجاری، ناشی از تسویه دو یا چند ابزار مالی جداگانه را منعکس کند. چنانچه واحد تجاری حق دریافت یا پرداخت مبلغ خالص واحد و قصد انجام این کار را داشته باشد، در عمل، تنها یک دارایی مالی منفرد یا یک بدهی مالی منفرد دارد. در سایر شرایط، داراییهای مالی و بدهیهای مالی با توجه به ویژگیهای آنها به عنوان منابع یا تعهدات واحد تجاری، جدا از یکدیگر ارائه می‌شوند. واحد تجاری باید اطلاعات الزامی طبق بندهای ۱3ب تا ۱۳ث استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ را برای ابزارهای مالی شناسایی‌شده‌ای که در دامنه کاربرد بند ۱۳ الف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ قرار می‌گیرند، افشا کند.

۴۴. تهاثر دارایی مالی شناسایی‌شده و بدهی مالی شناسایی‌شده و ارائه مبلغ به صورت خالص، با قطع شناخت دارایی مالی یا بدهی مالی تفاوت دارد. تهاثر موجب شناسایی سود یا زیان نمی‌شود، اما قطع شناخت ابزار مالی، نه تنها موجب حذف قلم شناسایی‌شده قبلی از صورت وضعیت مالی می‌شود، بلکه ممکن است به شناسایی سود یا زیان نیز منجر گردد.

۴۵. حق تهاثر، حق قانونی بدهکار، به موجب قرارداد یا به طریق دیگر، برای تسویه یا حذف تمام یا بخشی از مبلغ بدهی به بستانکار در مقابل مبلغ طلب از وی به شیوه‌های دیگر می‌باشد. در شرایط غیرمعمول، ممکن است بدهکار حق قانونی داشته باشد که مبلغ طلب از شخص ثالث را با مبلغ بدهی به بستانکار تهاثر کند، مشروط بر اینکه بین سه طرف توافقی وجود داشته باشد که به روشنی حق تهاثر را برای بدهکار تعیین نماید. از آنجا که حق تهاثر، حق قانونی است، شرایط پشتیبانی‌کننده از این حق ممکن است در حوزه‌های مقرراتی مختلف، متفاوت باشد و قوانین حاکم بر روابط بین طرفین، باید در نظر گرفته شود.

۴۶. وجود حق قابل اعمال برای تهاثر دارایی مالی و بدهی مالی، بر حقوق و تعهدات مرتبط با دارایی مالی و بدهی مالی اثر می‌گذارد و ممکن است بر میزان آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری و نقدینگی مؤثر باشد. اما وجود این حق، به خودی خود، مبنای کافی برای تهاثر محسوب نمی‌شود. بدون قصد اعمال این حق یا تسویه همزمان، مبلغ و زمانبندی جریانهای نقدی آتی واحد تجاری تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. زمانی که واحد تجاری قصد اعمال این حق یا تسویه همزمان را داشته باشد، ارائه دارایی و بدهی به صورت خالص، مبالغ و زمانبندی جریانهای نقدی آتی مورد انتظار و همچنین ریسکهای جریانهای نقدی مزبور را به‌گونه‌ای مناسبتر منعکس می‌کند. قصد یک طرف یا هر دو طرف برای تسویه بر مبنای خالص بدون وجود حق قانونی برای این کار، برای توجیه تهاثر کافی نیست، زیرا حقوق و تعهدات مرتبط با دارایی مالی و بدهی مالی منفرد، تغییر نمی‌کند.

۴۷. قصد واحد تجاری برای تسویه برخی داراییها و بدهیها، می‌تواند تحت تأثیر رویه‌های تجاری معمول، الزامات بازارهای مالی و سایر شرایطی قرار گیرد که ممکن است توانایی تسویه به صورت خالص یا تسویه همزمان را محدود کند. در مواردی که واحد تجاری حق تهاثر دارد، اما قصد تسویه به صورت خالص یا تبدیل دارایی به نقد همزمان با تسویه بدهی را ندارد، تأثیر این حق بر آسیب‌پذیری واحد

تجاری از ریسک اعتباری، طبق بند ۳۶ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 افشا می‌شود.

۴۸. تسویه همزمان دو ابزار مالی ممکن است برای مثال از طریق عملیات اتاق پایاپای در یک بازار مالی سازمان‌یافته یا در مبادله رو در رو صورت گیرد. جریانهای نقدی، در این شرایط، در واقع معادل با مبلغ خالص واحدی می‌باشد و واحد تجاری در معرض ریسک اعتباری یا نقدینگی قرار نمی‌گیرد. در شرایط دیگر، ممکن است واحد تجاری دو ابزار را از طریق دریافت و پرداخت مبالغ جداگانه تسویه کند و بابت کل مبلغ دارایی، در معرض ریسک اعتباری یا بابت کل مبلغ بدهی، در معرض ریسک نقدینگی قرار گیرد. چنین آسیب‌پذیری از ریسک، حتی در صورت موقتی بودن می‌تواند قابل ملاحظه باشد. در نتیجه، تبدیل دارایی مالی به نقد و تسویه بدهی مالی، تنها هنگامی همزمان تلقی می‌شود که این معاملات در یک لحظه واقع شود.

۴۹. شرایط الزامی طبق بند ۴۲، عموماً احراز نمی‌شود و تهاتر در موارد زیر معمولاً نامناسب است:

الف. چندین ابزار مالی مختلف برای همانندسازی با ویژگیهای یک ابزار مالی واحد بکار گرفته شود
("ابزار ساختگی")؛

ب. داراییهای مالی و بدهیهای مالی، از ابزارهای مالی با ریسک اولیه یکسان ناشی شود (برای مثال، داراییها و بدهیهای موجود در پرتفوی پیمانهای آتی یا سایر ابزارهای مشتقه)، اما طرفهای آن قراردادها متفاوت باشد؛

پ. داراییهای مالی یا سایر داراییها، وثیقه بدهیهای مالی بدون حق رجوع باشد؛

ت. داراییهای مالی توسط بدهکار به صورت امانی کنار گذاشته شود تا برای تسویه تعهد مورد استفاده قرار گیرد، بدون اینکه بستانکار، آن داراییها را برای تسویه تعهد پذیرفته باشد (برای مثال، توافق وجوه استهلاکی)؛ یا

ث. در نتیجه ادعای به وجود آمده بر اساس قرارداد بیمه، تعهدات ایجادشده در نتیجه رویدادهای خسارت‌آور که انتظار برود به موجب ادعاهای تحت پوشش قرارداد بیمه توسط شخص ثالث جبران شود.

۵۰. واحد تجاری که چندین معامله ابزار مالی را با یک طرف واحد انجام می‌دهد، ممکن است با طرف مقابل، "توافق خالص‌سازی جامع" منعقد نماید. چنین موافقتنامه‌ای برای تسویه خالص یکجای تمام ابزارهای مالی تحت پوشش موافقتنامه در صورت خاتمه یا ناتوانی در ایفای هر یک از قراردادهای، تهیه می‌شود. این توافقها معمولاً توسط مؤسسات مالی برای حفاظت در برابر زیان ناشی از ورشکستگی یا سایر شرایطی که به ناتوانی طرف قرارداد در انجام تعهدات خود منجر می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. توافق خالص‌سازی جامع معمولاً حق تهاتر ایجاد می‌کند که تنها پس از ناتوانی در ایفای قرارداد یا سایر شرایطی که در روال عادی فعالیت‌های تجاری غیرمنتظره است، قابل اعمال می‌شود و بر نقدشدن یا تسویه هر یک از داراییهای مالی و بدهیهای مالی تأثیر می‌گذارد. توافق خالص‌سازی جامع مبنایی برای تهاتر فراهم نمی‌کند، مگر اینکه هر دو معیار مندرج در بند ۴۲ احراز شود. در صورتی که داراییهای مالی و بدهیهای مالی مشمول توافق خالص‌سازی جامع، تهاتر نشوند، تأثیر این توافق بر آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری، طبق بند 36 استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ افشا می‌شود.

۵۱ تا 95. [حذف شد]

تاریخ اجرا و گذار

۹۶. واحد تجاری باید این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2005 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. واحد تجاری نباید این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که قبل از اول ژانویه سال 2005 شروع می‌شود بکار گیرد، مگر اینکه استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 (منتشر شده در دسامبر سال 2003) را که شامل اصلاحات منتشر شده در مارس سال 2004 است، بکار گرفته باشد. در صورتی که واحد تجاری این استاندارد را برای دوره‌ای که قبل از اول ژانویه سال 2005 شروع می‌شود، بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

96الف. به موجب ابزارهای مالی قابل فروش به ناشر و تعهدات ناشی از **انحلال** (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱)، منتشر شده در فوریه سال ۲۰۰۸، ابزارهای مالی که دارای تمام ویژگیهای مورد نظر هستند و شرایط بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای ۱۶پ

و ۱۶ت را احراز می‌کنند، باید به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی شوند، بندهای ۱۱، ۱۶، ۱۷ تا ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۵، رب ۱۳، رب ۱۴ و رب ۲۷ اصلاح و بندهای ۱۱الف تا ۱۶ج و ۲۲الف، ۲۶ب، ۲۶پ، ۲۷پ، رب ۱۴الف تا رب ۱۴د و رب ۲۹الف اضافه شد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این تغییرات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند و اصلاحات مربوط به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ و تفسیر ۲ کمیته تفاسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را همزمان بکار گیرد.

96ب. ابزارهای مالی قابل فروش به ناشر و تعهدات ناشی از انحلال، استثنایی محدود بر دامنه کاربرد است؛ بنابراین، واحد تجاری نباید این استثنا را از طریق قیاس بکار گیرد.

۹۶پ. به موجب این استثنا، طبقه‌بندی ابزارها باید محدود به نحوه حسابداری ابزارهای مزبور طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۲، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ باشد. این ابزارها نباید طبق رهنمودهای دیگر، مانند استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۲، به عنوان ابزار مالکانه در نظر گرفته شوند.

۹۷. این استاندارد باید با تسری به گذشته بکار گرفته شود. ۹۷الف. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال ۲۰۰۷)، اصطلاحات مورد استفاده در کل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اصلاح کرد. به علاوه، این استاندارد بند ۴۰ را اصلاح نمود. واحد تجاری باید آن اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۰۹ و پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. اگر واحد تجاری استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال ۲۰۰۷) را پیش از موعد بکار گیرد، باید این اصلاحات را برای دوره‌های مذکور اعمال کند.

۹۷ب. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ ترکیبهای تجاری (تجدیدنظرشده در سال ۲۰۰۸)، بند ۴(پ) را حذف کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال ۲۰۰۹ یا پس از شروع می‌شود، بکار گیرد. اگر واحد تجاری استاندارد

بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ (تجدیدنظرشده در سال ۲۰۰۸) را پیش از موعد بکار گیرد، این مورد اصلاحی باید برای آن دوره‌ها اعمال شود. با این وجود، اصلاح مزبور، در مورد مابه‌ازای احتمالی ناشی از ترکیب تجاری که تاریخ تحصیل آن، پیش از تاریخ بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ (تجدیدنظر شده در سال 2008) است، کاربرد ندارد. در مقابل، واحد تجاری باید چنین مابه‌ازایی را طبق بندهای ۶۵ الف تا ۶۵ ث استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ (تجدیدنظرشده در سال ۲۰۱۰) به حساب منظور کند.

97پ. هنگام بکارگیری اصلاحات مندرج در بند ۹۶ الف، واحد تجاری ملزم است ابزار مالی مرکب را که تنها در زمان انحلال، نسبت به تحویل سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری به طرف دیگر تعهد ایجاد می‌کند، به اجزای بدهی و حقوق مالکانه تفکیک نماید. اگر جزء بدهی، تسویه شده باشد، بکارگیری اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 با تسری به گذشته، متضمن تفکیک دو جزء حقوق مالکانه است. جزء اول، بخشی از سود انباشته است و بیانگر بهره انباشته جزء بدهی است. جزء دیگر، بیانگر جزء حقوق مالکانه اصلی است. بنابراین، در صورت تسویه جزء بدهی تا تاریخ بکارگیری اصلاحات، نیازی به تفکیک این دو جزء توسط واحد تجاری نیست.

97ت. اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در می سال 2008، بند 4 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این مورد اصلاحی را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند و اصلاحات بند ۳ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷، بند ۱ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۸ و بند ۱ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۱، منتشرشده در می سال 2008 را نیز برای آن دوره اعمال نماید. واحد تجاری مجاز است این مورد اصلاحی را با تسری به آینده بکار گیرد.

97ث. طبقه‌بندی موضوعات مربوط به حق تقدم، منتشر شده در اکتبر سال 2009، بندهای 11 و 16 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول فوریه سال 2010 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این

اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا نماید.

۹۷ج. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

۹۷چ. اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در می سال ۲۰۱۰، بند 97ب را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال 2010 یا پس از آن آغاز می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است.

۹۷ح. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

۹۷خ. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۰ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۱^{مشارکتها}، منتشرشده در می سال ۲۰۱۱، بندهای ۴(الف) و رب ۲۹ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۰ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۱ اعمال نماید.

۹۷د. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳، منتشر شده در می سال ۲۰۱۱، تعریف ارزش منصفانه در بند ۱۱ و بندهای ۲۳ و رب ۳۱ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳، اعمال نماید.

۹۷ذ. ارائه اجزای سایر اقلام سود و زیان جامع (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱) منتشرشده در ژوئن سال ۲۰۱۱، بند ۴۰ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، اصلاح‌شده در ژوئن سال ۲۰۱۱، اعمال نماید.

97ر. ^{تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی} (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۲)، منتشرشده در دسامبر سال ۲۰۱۱، بند رب ۳۸ را حذف و بندهای رب ۳۸الف تا رب ۳۸ج را اضافه کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۱۴ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. واحد تجاری باید اصلاحات مزبور را با تسری به گذشته بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند و همچنین، موارد افشای الزامی طبق ^{افشا- تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی} (اصلاحات استاندارد بین‌المللی

گزارشگری مالی (۷)، منتشرشده در دسامبر سال ۲۰۱۱، را ارائه نماید.

97ز. افشا- تهاثر داراییهای مالی و بدهیهای مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷)، منتشرشده در دسامبر سال ۲۰۱۱، از طریق الزام واحد تجاری به افشای اطلاعات مندرج در بندهای 13ب تا 13ث استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 برای داراییهای مالی شناسایی‌شده‌ای که در دامنه کاربرد بند 13الف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 قرار می‌گیرند، بند 43 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۱3 یا پس از آن شروع می‌شود و دوره‌های میانی این دوره‌های سالانه، بکار گیرد. واحد تجاری باید افشاهای الزامی طبق این اصلاحات را با تسری به گذشته ارائه نماید.

97ژ. اصلاحات سالانه-دوره 2009 تا 2011، منتشر شده در می سال 2012، بندهای 35، 37 و 39 را اصلاح و بند 35الف را اضافه کرد. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 8 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، واحد تجاری باید این اصلاحات را با تسری به گذشته برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2013 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

97س. واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 12 و استانداردهای بین‌المللی حسابداری 27)، منتشرشده در اکتبر سال 2012، بند 4 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2014 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری مجاز است. اگر واحد تجاری، این مورد اصلاحی را پیش از موعد بکار گیرد، باید تمام اصلاحات مندرج در واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری را همزمان اعمال نماید.

97ش تا 97ض. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

کنارگذاری سایر بیانیه‌ها

۹۸. این استاندارد، جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۲ ابزارهای مالی: ارائه و افشا، تجدیدنظرشده در سال ۲۰۰۰، می‌شود.¹

۹۹. این استاندارد، جایگزین تفاسیر زیر می‌شود:

الف. تفسیر 5 کمیته تفاسیر مباحث جاری طبقه‌بندی ابزارهای مالی- شرایط تسویه احتمالی؛

ب. تفسیر 16 کمیته تفاسیر مباحث جاری سهام سرمایه- ابزارهای مالکانه مجدداً تحصیل‌شده خود واحد تجاری (سهام خزانه)؛
و

پ. تفسیر 17 کمیته تفاسیر مباحث جاری حقوق مالکانه- مخارج مربوط به معاملات مالکانه.

۱۰۰. این استاندارد، پیش‌نویس تفسیر ۳۴ کمیته تفاسیر مباحث جاری ابزارهای مالی- ابزارها یا حقوق قابل بازخرید توسط دارنده را لغو کرد.

1 هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، در آگوست سال 2005، تمام موارد افشای مربوط به ابزارهای مالی را به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 ابزارهای مالی: افشا انتقال داد.

پیوست الف

رهنمود بکارگیری

استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 / ابزارهای مالی: ارائه

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.

رب ۱. این رهنمود بکارگیری، نحوه بکارگیری موارد خاصی از این استاندارد را توضیح می‌دهد.

رب ۲. این استاندارد، نحوه شناخت یا اندازه‌گیری ابزارهای مالی را مطرح نمی‌کند. الزامات مربوط به نحوه شناخت و اندازه‌گیری داراییهای مالی و بدهیهای مالی، در استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 تعیین می‌شود.

تعاریف (بندهای ۱۱ تا ۱۴)

داراییهای مالی و بدهیهای مالی

رب ۳. واحد پول (نقد) دارایی مالی است زیرا واسطه انجام مبادلات می‌باشد و در نتیجه، مبنای اندازه‌گیری و شناخت تمام معاملات در صورتهای مالی است. سپرده نقدی نزد بانکها یا مؤسسات مالی مشابه، دارایی مالی است زیرا بیانگر حق قراردادی سپرده‌گذار برای دریافت نقد از آن مؤسسه یا صدور چک یا ابزار مشابه در وجه بستانکاران برای پرداخت بدهی مالی است.

رب ۴. مثالهای رایج از داراییهای مالی که بیانگر حق قراردادی برای دریافت نقد در آینده است و بدهیهای مالی متقابل که بیانگر تعهد قراردادی برای تحویل نقد در آینده می‌باشد، عبارت است از:

الف. دریافتنی‌ها و پرداختنی‌های تجاری؛

ب. اسناد دریافتنی و پرداختنی؛

پ. وامهای دریافتنی و پرداختنی؛ و

ت. اوراق قرضه دریافتنی و پرداختنی.

در هر یک از این موارد، حق قراردادی یک طرف برای دریافت (یا تعهد به پرداخت) نقد، با تعهد متقابل طرف دیگر برای پرداخت (یا حق دریافت)، مطابقت دارد.

رب ۵. نوع دیگر ابزار مالی، ابزاری است که منافع اقتصادی قابل دریافت یا قابل واگذاری آن، یک دارایی مالی به غیر از نقد می‌باشد. برای مثال، اسناد پرداختنی قابل تسویه با اوراق قرضه دولتی، برای دارنده، حق قراردادی نسبت به دریافت و برای ناشر، تعهد قراردادی برای تحویل اوراق قرضه، و نه نقد، ایجاد می‌کند. این اوراق

قرضه، دارایی مالی محسوب می‌شود زیرا بیا نگر تعهدات دولت منتشرکننده برای پرداخت نقد است. در نتیجه، این اسناد برای دارنده، دارایی مالی و برای ناشر، بدهی مالی است.

رب 6. ابزارهای بدهی "دائمی" (مانند اوراق قرضه "دائمی"، اسناد بدهی تضمین‌نشده و اسناد سرمایه) معمولاً حق قراردادی برای دریافت علی‌الحسابهای بهره در تاریخهای مشخصی که در آینده نامعین ادامه می‌یابد را به دارنده می‌دهد و در کنار آن، حق دریافت اصل را از دارنده سلب می‌کند یا حق دریافت اصل را وابسته به شرایطی می‌کند که بسیار غیرمحتمل است یا در آینده بسیار دور اتفاق می‌افتد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است با انتشار یک ابزار مالی، به پرداختهای سالانه دائمی برابر با حاصل ضرب نرخ بهره اظهارشده معادل 8 درصد در مبلغ اصل یا اسمی اظهارشده معادل 1000 واحد پول، ملزم باشد.² با فرض اینکه، نرخ بهره بازار برای این ابزار مالی در زمان انتشار 8 درصد است، ناشر برای پرداخت بهره‌های آتی که ارزش منصفانه (ارزش فعلی) آنها در زمان شناخت اولیه 1000 واحد پول می‌باشد، تعهد قراردادی را تقبل می‌کند. دارنده و ناشر این ابزار به ترتیب، دارایی مالی و بدهی مالی دارند.

رب 7. حق قراردادی یا تعهد قراردادی برای دریافت، تحویل یا مبادله ابزارهای مالی، خود یک ابزار مالی است. زنجیره‌ای از حقوق قراردادی یا تعهدات قراردادی، در صورتی که در نهایت منجر به دریافت یا پرداخت نقد یا تحصیل یا انتشار ابزار مالکانه شود، آنگاه تعریف ابزار مالی را احراز می‌کند.

رب 8. توانایی اعمال حق قراردادی یا الزام به ایفای تعهد قراردادی ممکن است قطعی یا مشروط به وقوع رویدادی آتی باشد. برای مثال، تضمین مالی، حق قراردادی وام‌دهنده برای دریافت نقد از ضامن، و تعهد قراردادی متقابل ضامن برای پرداخت به وام‌دهنده در صورت نکول وام‌گیرنده است. حق و تعهد قراردادی به دلیل رویداد یا معامله‌ای در گذشته (تقبل تضمین) ایجاد می‌شود، هر چند توانایی وام‌دهنده برای اعمال حق خود و الزام ضامن به ایفای تعهد خود، هر دو مشروط به احتمال عدم ایفای تعهد توسط وام‌گیرنده در آینده است. حق و تعهد احتمالی، حتی اگر در صورتهای مالی شناسایی نشوند، تعریف دارایی مالی و

2 در این رهنمود، مبالغ پول به صورت "واحد پول" بیان شده است.

بدهی مالی را احراز می‌کنند. برخی از این حقوق و تعهدات احتمالی ممکن است قراردادهای بیمه، موضوع دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۴ باشند.

رب ۹. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۷ **اجاره‌ها**، اجاره تأمین مالی در درجه اول به عنوان حق اجاره‌دهنده برای دریافت، و تعهد اجاره‌کننده برای پرداخت مجموعه‌ای از مبالغ در نظر گرفته می‌شود که اساساً همانند پرداختهای مرکب اصل و بهره در توافق وام است. اجاره‌دهنده به جای دارایی اجاره‌ای، سرمایه‌گذاری خود در مبالغ دریافتی طبق قرارداد اجاره را به حساب منظور می‌کند. از سوی دیگر، اجاره عملیاتی، در درجه اول، قرارداد ناتمامی در نظر گرفته می‌شود که اجاره‌دهنده را به فراهم کردن حق استفاده از دارایی در دوره‌های آتی در ازای دریافت مابه‌ازایی مشابه کارمزد خدمات، متعهد می‌کند. اجاره‌دهنده به جای مبالغ دریافتی در آینده طبق قرارداد، همچنان دارایی اجاره‌ای را به حساب منظور می‌کند. در نتیجه، اجاره تأمین مالی، ابزار مالی محسوب می‌شود و اجاره عملیاتی ابزار مالی تلقی نمی‌گردد (به جز مبالغی که در حال حاضر از سررسید آنها گذشته است و قابل پرداخت می‌باشد).

رب ۱۰. داراییهای فیزیکی (مانند موجودیها، املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات)، داراییهای اجاره‌ای و داراییهای نامشهود (مانند حق اختراع و علائم تجاری)، داراییهای مالی محسوب نمی‌شوند. کنترل این داراییهای فیزیکی و نامشهود، فرصتی برای ایجاد جریانهای نقدی ورودی یا سایر داراییهای مالی فراهم می‌کند، اما حق فعلی برای دریافت نقد یا دارایی مالی دیگر، به وجود نمی‌آورد.

رب ۱۱. داراییهایی (مانند پیش‌پرداخت هزینه‌ها) که منافع اقتصادی آتی آنها به شکل دریافت کالا یا خدمات است و بیانگر حق دریافت نقد یا دارایی مالی دیگری نیست، دارایی مالی محسوب نمی‌شود. همچنین، اقلامی نظیر پیش‌دریافت درآمد و بیشتر تعهدات ناشی از ضمانت، بدهی مالی نیستند، زیرا جریان خروجی منافع اقتصادی مرتبط با آنها، به شکل تحویل کالا و خدمات است و بیانگر تعهد قراردادی برای پرداخت نقد یا دارایی مالی دیگر نمی‌باشند.

رب ۱۲. بدهیها یا داراییهایی که قراردادی نیستند (مانند مالیات بر درآمد که در نتیجه الزامات قانونی دولت

ایجاد می‌شود)، بدهی مالی یا دارایی مالی محسوب نمی‌شوند. حسابداری مالیات بر درآمد طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 12 مالیات بر درآمد انجام می‌گیرد. همچنین، طبق تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی، تعهدات عرفی، ناشی از قرارداد نمی‌باشند و در نتیجه، بدهی مالی محسوب نمی‌شوند.

ابزارهای مالکانه

رب13. نمونه‌هایی از ابزارهای مالکانه عبارتند از سهام عادی غیرقابل فروش به ناشر، برخی ابزارهای قابل فروش به ناشر (به بندهای ۱۶الف و ۱۶ب مراجعه شود)، برخی ابزارها که تنها در زمان انحلال، واحد تجاری را متعهد به تحویل سهم متناسبی از خالص داراییها به طرف دیگر می‌کند (به بندهای ۱۶پ و ۱۶ت مراجعه شود)، برخی انواع سهام ممتاز (به بندهای ۲۵ب و ۲۶ب مراجعه شود)، و امتیاز خرید سهام یا اختیارهای خرید صادرشده‌ای که به دارنده اجازه می‌دهد تعداد ثابتی سهام عادی غیرقابل فروش به ناشر واحد تجاری صادرکننده را در ازای مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر، پذیره‌نویسی یا خریداری کند. تعهد واحد تجاری برای انتشار یا خرید تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر، ابزار مالکانه آن واحد تجاری است (به استثنای موارد تشریح‌شده در بند ۲۲الف). با وجود این، در صورتی‌که چنین قراردادی، دربردارنده تعهد واحد تجاری به پرداخت نقد یا دارایی مالی دیگر (به غیر از قراردادهای طبقه‌بندی‌شده به عنوان ابزار مالکانه طبق بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای ۱۶پ و ۱۶ت) باشد، یک بدهی نیز به میزان ارزش فعلی مبلغ بازخرید به وجود می‌آید (به بند رب۲۷الف) مراجعه شود). ناشر سهام عادی غیرقابل فروش به ناشر، زمانی که بطور رسمی اقدام به توزیع منابع می‌نماید و به صورت قانونی نسبت به انجام این کار برای سهامداران متعهد می‌شود، یک بدهی تقبل می‌کند. این بدهی ممکن است پس از اعلام سود تقسیمی یا زمانی که واحد تجاری منحل می‌شود و هرگونه دارایی باقیمانده پس از تسویه بدهیها بین سهامداران قابل توزیع می‌گردد، شناسایی شود.

رب۱۴. اختیار خرید خریداری‌شده یا قرارداد مشابه دیگری که توسط واحد تجاری تحصیل شده است، و به واحد تجاری حق بازخرید تعداد ثابتی از ابزارهای مالکانه خود واحد

تجاری را در ازای تحویل مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر می‌دهد، دارایی مالی آن واحد تجاری نیست (به استثنای موارد مطرح‌شده در بند ۲۲ الف). در مقابل، هرگونه مابه‌ازای پرداختی بابت چنین قراردادی، از حقوق مالکانه کسر می‌شود.

طبقه‌ای از ابزارها که در مقایسه با سایر طبقات، در پایین‌ترین اولویت قرار می‌گیرد (بندهای ۱۶ الف (ب) و ۱۶ پ (ب))

رب ۱۴ الف. یکی از ویژگیهای مندرج در بندهای ۱۶ الف و ۱۶ پ این است که ابزار مالی در طبقه‌ای از ابزارها قرار گرفته باشد که در مقایسه با سایر طبقات، در پایین‌ترین اولویت قرار می‌گیرد.

رب 14 ب. برای تعیین اینکه ابزار در پایین‌ترین اولویت قرار گرفته است یا خیر، واحد تجاری ادعای آن ابزار را در زمان انحلال ارزیابی می‌کند گویی اینکه در تاریخ طبقه‌بندی ابزار، انحلال واقع می‌شود. در صورت تغییر در شرایط مربوط، واحد تجاری باید این طبقه‌بندی را مجدداً ارزیابی کند. برای مثال، انتشار یا بازخرید ابزار مالی دیگر توسط واحد تجاری، ممکن است بر قرار گرفتن ابزار مورد نظر در طبقه‌ای از ابزارها که نسبت به تمام ابزارهای دیگر در اولویت پایین قرار می‌گیرد، مؤثر باشد.

رب 14 پ. ابزاری که در زمان انحلال واحد تجاری حق ممتاز دارد، نسبت به سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری، حق ایجاد نمی‌کند. برای مثال، ابزاری در زمان انحلال، حق ممتاز دارد که علاوه بر سهم از خالص داراییهای واحد تجاری، برای دارنده حق ثابت نسبت به سود تقسیمی در زمان انحلال ایجاد می‌کند اما سایر ابزارهای با اولویت پایین که نسبت به سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری حق دارند، حق مشابهی را در زمان انحلال نداشته باشند.

رب 14 ت. اگر واحد تجاری تنها یک طبقه ابزار مالی داشته باشد، آن طبقه به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود گویی اینکه نسبت به سایر طبقات، در صورت وجود، در اولویت پایین است.

کل جریانهای نقدی مورد انتظار قابل انتساب به ابزار مالی در طول عمر آن ابزار (بند ۱۶ الف (ث))

رب 14 ث. کل جریانهای نقدی مورد انتظار ابزار مالی در طول عمر آن ابزار، باید اساساً مبتنی بر سود یا زیان دوره، تغییر در خالص داراییهای شناسایی‌شده یا ارزش

منصفانه خالص داراییهای شناسایی‌شده و شناسایی‌نشده واحد تجاری در طول عمر آن ابزار باشد. سود یا زیان دوره و تغییر در خالص داراییهای شناسایی‌شده باید طبق استانداردهای مربوط اندازه‌گیری شود.

معاملات با دارنده یک ابزار در نقشی غیر از مالک واحد تجاری (بندهای ۱۶الف و ۱۶پ)

رب ۱۴ج. دارنده ابزار مالی قابل فروش به ناشر یا ابزاری که تنها در زمان انحلال، واحد تجاری را به تحویل سهم متناسبی از خالص داراییهای واحد تجاری به طرف دیگر متعهد کند، ممکن است در نقشی به غیر از مالک، با واحد تجاری معاملاتی انجام دهد. برای مثال، دارنده ابزار ممکن است یکی از کارکنان واحد تجاری نیز باشد. تنها جریانهای نقدی و مفاد و شرایط قراردادی ابزار که به دارنده ابزار در نقش مالک واحد تجاری مربوط است، باید در ارزیابی اینکه ابزار مالی باید به عنوان ابزار مالکانه طبق بندهای ۱۶الف یا ۱۶پ طبقه‌بندی شود یا خیر، مورد توجه قرار گیرد.

رب ۱۴ج. برای مثال، یک شرکت مختلط غیرسهامی دارای شرکای با مسئولیت محدود و ضامن است. برخی از شرکای ضامن ممکن است به شرکت تضمین ارائه دهند و بابت این تضمین مبالغی دریافت کنند. در چنین شرایطی، آن تضمین و جریانهای نقدی وابسته به آن، به دارندگان ابزار به عنوان تضمین‌کننده، مربوط است و نه به عنوان مالکان واحد تجاری. بنابراین، تضمین مزبور و جریانهای نقدی وابسته به آن، موجب نمی‌شود که شرکای ضامن نسبت به شرکای با مسئولیت محدود، در اولویت پایین‌تر در نظر گرفته شوند و در ارزیابی یکسان بودن شرایط قراردادی ابزارهای با مسئولیت محدود و ابزارهای با مسئولیت تضامنی، در نظر گرفته نمی‌شوند.

رب ۱۴ج. به عنوان مثال دیگر می‌توان به توافق سهام شدن در سود یا زیان دوره اشاره کرد که بر مبنای خدمات ارائه‌شده یا فعالیت‌های تجاری انجام‌گرفته در سال جاری و سالهای قبل، سود یا زیان دوره را به دارندگان ابزارهای مالی تخصیص می‌دهد. چنین توافقی، معاملات با دارندگان ابزار در نقش غیرمالک محسوب می‌شود و نباید هنگام ارزیابی ویژگیهای مندرج در بند ۱۶الف یا بند ۱۶پ، در نظر گرفته شود. با این وجود، توافقی سهام شدن در سود یا زیان که بر مبنای مبلغ اسمی ابزارهای دارندگان نسبت به سایر ابزارها در آن طبقه، سود یا زیان دوره

را به دارندگان ابزار تخصیص می‌دهد، بیانگر معاملات با دارندگان ابزار در نقش مالک است و باید هنگام ارزیابی ویژگیهای مندرج در بند ۱۶ الف یا بند ۱۶ پ، در نظر گرفته شود.

رب ۱۴ خ. جریانهای نقدی و مفاد و شرایط قراردادی معامله بین دارنده ابزار (در نقش غیرمالک) و واحد تجاری ناشر، باید مشابه با معامله معادلی باشد که ممکن است بین واحد تجاری ناشر و طرفی که دارنده ابزار مالی نیست، انجام شود.

نبود ابزار مالی یا قرارداد دیگری که کل جریانهای نقدی آن، بر بازده باقیمانده دارنده ابزار، بطور قابل ملاحظه‌ای اثر محدودکننده یا تثبیتکننده داشته باشد (بندهای ۱۶ ب و ۱۶ ت)

رب ۱۴ د. یک شرط برای اینکه ابزار مالی که معیارهای مندرج در بند ۱۶ الف یا بند 16 پ را احراز می‌کند، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی شود آن است که واحد تجاری هیچ ابزار مالی یا قرارداد دیگری نداشته باشد که (الف) کل جریانهای نقدی آن اساساً مبتنی بر سود یا زیان دوره، تغییر در ارزش منصفانه خالص داراییهای شناسایی‌شده یا تغییر در ارزش منصفانه خالص داراییهای شناسایی‌شده و شناسایی‌نشده واحد تجاری باشد و (ب) بر بازده باقیمانده، بطور قابل ملاحظه‌ای اثر محدودکننده یا تثبیتکننده داشته باشد. بعید به نظر می‌رسد که ابزارهای زیر، اگر در شرایط تجاری عادی با اشخاص غیر وابسته منعقد گردد، مانع شود که ابزارهای مالی که معیارهای بند ۱۶ الف یا ۱۶ پ را احراز می‌کنند، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی گردند:

- الف. ابزارهایی که کل جریانهای نقدی آنها اساساً مبتنی بر داراییهای خاص واحد تجاری است.
- ب. ابزارهایی که کل جریانهای نقدی آنها مبتنی بر درصدي از درآمد است.
- پ. قراردادهایی که برای تشویق کارکنان بابت ارائه خدمات به واحد تجاری، طراحی شده است.
- ت. قراردادهایی که مستلزم پرداخت درصد اندکی سود بابت ارائه خدمات یا کالاها می‌باشد.

ابزارهای مالی مشتقه

رب15. ابزارهای مالی، شامل ابزارهای اولیه (مانند دریافتنی‌ها، پرداختنی‌ها و ابزارهای مالکانه) و ابزارهای مالی مشتقه (مانند اختیارات معامله مالی، قراردادهای آتی مالی و پیمانهای آتی مالی، سواپ نرخ بهره و سواپ ارز) می‌باشد. ابزارهای مالی مشتقه تعریف ابزار مالی را احراز می‌کنند و در نتیجه، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند.

رب16. ابزارهای مالی مشتقه، حقوق و تعهداتی ایجاد می‌کنند که اثر آن، انتقال یک یا چند ریسک مالی مرتبط با ابزار مالی اولیه پایه بین طرفین است. در آغاز، ابزارهای مالی مشتقه برای یک طرف نسبت به مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی با طرف دیگر در شرایطی که بطور بالقوه مطلوب است، حق قراردادی ایجاد می‌کند یا برای مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی با طرف دیگر در شرایطی که بطور بالقوه نامطلوب است، تعهد قراردادی ایجاد می‌نماید. با این وجود، این ابزارها عموماً³ نه منجر به انتقال ابزار مالی اولیه پایه در آغاز قرارداد می‌شوند و نه لزوماً چنین انتقالی در سررسید قرارداد انجام می‌گیرد. برخی ابزارها بطور همزمان هم دربردارنده حق و هم تعهد نسبت به انجام مبادله هستند. از آنجا که شرایط مبادله در آغاز قرارداد برای ابزار مشتقه تعیین می‌شود، با تغییر قیمتها در بازارهای مالی، ممکن است این شرایط، مطلوب یا نامطلوب شوند.

رب17. اختیار فروش یا خرید برای مبادله داراییهای مالی یا بدهیهای مالی (یعنی ابزارهای مالی به غیر از ابزارهای

3. این قاعده درخصوص برخی ابزارهای مشتقه، و نه تمام آنها، مصداق دارد. برای مثال، در برخی سواپهای نرخ بهره ارزی، مبلغ اصل در آغاز قرارداد مبادله می‌شود (و در سررسید مجدداً مبادله می‌گردد).

مالکانه خود واحد تجاری)، حق به دست آوردن منافع اقتصادی آتی بالقوه مرتبط با تغییرات در ارزش منصفانه ابزار مالی پایه آن قرارداد را برای دارنده ایجاد می‌کند. برعکس، صادرکننده اختیار معامله، برای محرومیت از منافع اقتصادی بالقوه آتی یا تحمل زیانهای بالقوه از دست دادن منافع اقتصادی مرتبط با تغییرات در ارزش منصفانه ابزار مالی پایه، متعهد خواهد شد. حق قراردادی دارنده و تعهد صادرکننده، به ترتیب، مطابق با تعریف دارایی مالی و بدهی مالی است. ابزار مالی پایه قرارداد اختیار معامله می‌تواند هر دارایی مالی، شامل سهام سایر واحدهای تجاری و ابزارهای دارایی بهره باشد. اختیار معامله ممکن است صادرکننده را به جایی انتقال دارایی مالی، ملزم به انتشار ابزار بدهی کند، اما ابزار پایه اختیار معامله، در صورت اعمال اختیار معامله، دارایی مالی دارنده محسوب خواهد شد. حق دارنده اختیار معامله نسبت به مبادله دارایی مالی در شرایطی که بطور بالقوه مطلوب است و تعهد صادرکننده به مبادله دارایی مالی در شرایطی که بطور بالقوه نامطلوب است، از دارایی مالی پایه که در صورت اعمال اختیار معامله مبادله می‌شود، متمایز است. ماهیت حق دارنده و تعهد صادرکننده، تحت تأثیر احتمال اعمال اختیار معامله قرار نمی‌گیرد.

رب ۱۸. مثال دیگری از ابزارهای مالی مشتقه، پیمان آتی است که در مدت شش ماه تسویه می‌شود و طبق آن، یک طرف (خریدار) تحویل 1000ر000 واحد پول نقد را در ازای اوراق قرضه دولتی با نرخ بهره ثابت و مبلغ اسمی 1000ر000 واحد پول، و طرف دیگر (فروشنده) تحویل اوراق قرضه دولتی با نرخ بهره ثابت به مبلغ اسمی 1000ر000 واحد پول را در ازای 1000ر000 واحد پول نقد تعهد کرده است. طی شش ماه، هر دو طرف حق قراردادی و تعهد قراردادی برای مبادله ابزارهای مالی دارند. در صورتی که قیمت بازار اوراق قرضه دولتی به بیش از 1000ر000 واحد پول برسد، شرایط برای خریدار مطلوب و برای فروشنده نامطلوب می‌شود. اگر قیمت بازار به کمتر از 1000ر000 واحد پول کاهش یابد، تأثیر آن معکوس خواهد بود. خریدار، حق قراردادی (دارایی مالی) مشابه با حق ناشی از اختیار خرید نگهداری‌شده و تعهد قراردادی (بدهی مالی) مشابه با تعهد ناشی از اختیار فروش صادرشده دارد. فروشنده، حق قراردادی (دارایی مالی) مشابه با حق ناشی از اختیار فروش نگهداری‌شده و تعهد قراردادی (بدهی مالی) مشابه با تعهد ناشی از

اختیار خرید صادر شده دارد. همانند اختیاراتهای معامله، این حقوق و تعهدات قراردادی، دارایی مالی و بدهی مالی مجزا و متمایز از ابزارهای مالی پایه (اوراق قرضه و نقدي که مبادله میشود) ایجاد میکنند. هر دو طرف پیمان آتی تعهدی دارند که در زمان مورد توافق، باید انجام شود، در حالی که طبق قرارداد اختیار معامله، ایفای تعهد تنها زمانی انجام می‌گیرد که دارنده اختیار معامله تصمیم می‌گیرد آن را اعمال کند.

رب ۱۹. بسیاری از دیگر انواع ابزارهای مشتقه، دربردارنده حق یا تعهد مبادله در آینده هستند، که از آن جمله می‌توان به سواپ نرخ بهره و ارز، سقف نرخ بهره، کف نرخ بهره، اختیار ترکیبی نرخ بهره، تعهدات وام، تعهد انتشار اسناد و اعتبارات اسنادی اشاره کرد. قرارداد سواپ نرخ بهره را می‌توان نوعی پیمان آتی تلقی کرد که طرفین آن، درباره مجموعه‌ای از مبادلات آتی مبالغ نقدي توافق میکنند؛ یکی از مبالغ با توجه به نرخ بهره شناور و مبلغ دیگر با توجه به نرخ بهره ثابت محاسبه می‌شود. قراردادهای آتی، نوع دیگری از پیمانهایی آتی هستند؛ با این تفاوت که این قراردادها استاندارد هستند و در بورس، قابل معامله می‌باشند.

قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی (بندهای ۸ تا ۱۰)

رب ۲۰. قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی، تعریف ابزار مالی را احراز نمی‌کنند زیرا حق قراردادی یک طرف برای دریافت دارایی یا خدمت غیرمالی و تعهد متقابل طرف دیگر، بیانگر حق یا تعهد فعلی هیچ یک از طرفین برای دریافت، تحویل یا مبادله دارایی مالی نیست. برای مثال، قراردادهایی که تسویه آنها تنها از طریق دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی صورت می‌گیرد (مانند اختیار معامله، قرارداد آتی یا پیمان آتی نقره) ابزار مالی محسوب نمی‌شود. بسیاری از قراردادهای کالا از این نوع هستند. برخی از آنها شکل استاندارد شده‌ای دارند و به شیوه‌ای مانند برخی ابزارهای مالی مشتقه، در بازارهای سازمان‌یافته مبادله می‌شوند. برای مثال، قراردادهای آتی کالا ممکن است به سهولت به صورت نقدي خرید و فروش شود زیرا برای مبادله در بورس پذیرفته شده است و می‌تواند بارها مبادله شود. با وجود این، طرفه‌هایی که این قرارداد را خرید و فروش می‌کنند، در واقع، کالای پایه را مبادله می‌کنند. توان خرید یا فروش نقدي قرارداد کالا، سهولت خرید یا فروش و امکان مذاکره برای تسویه نقدي تعهد جهت دریافت یا تحویل کالا، ویژگی

بنیادی این قرارداد را به گونه‌ای تغییر نمی‌دهد که آن را در زمره ابزارهای مالی قرار دهد. با وجود این، برخی قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی که به صورت خالص از طریق نقد، یا مبادله ابزارهای مالی قابل تسویه است، یا اقلام غیرمالی که به سهولت به نقد تبدیل می‌شوند، همانند ابزارهای مالی در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند (به بند ۸ مراجعه شود).

رب۲۱. قراردادی که مستلزم دریافت یا تحویل داراییهای فیزیکی است، منجر به دارایی مالی برای یک طرف و بدهی مالی برای طرف دیگر نمی‌شود؛ مگر اینکه هرگونه پرداخت، به بعد از تاریخ انتقال دارایی فیزیکی موکول شود. خرید یا فروش اعتباری کالاها از همین نوع است.

رب۲۲. برخی قراردادهای وابسته به کالا هستند، اما از طریق دریافت یا تحویل فیزیکی کالا تسویه نمی‌شوند. در این قراردادهای تصریح می‌شود که تسویه، به جای پرداخت مبالغ ثابت، از طریق پرداختهای نقدی انجام می‌گیرد که بر اساس فرمولهای مندرج در قرارداد تعیین می‌گردد. برای مثال، مبلغ اصل اوراق قرضه ممکن است از حاصل ضرب قیمت بازار نفت در تاریخ سررسید اوراق در مقدار ثابتی نفت به دست آید. این مبلغ اصل بر اساس قیمت یک کالا محاسبه می‌شود، اما تنها از طریق نقد تسویه می‌گردد. چنین قراردادی، ابزار مالی است.

رب۲۳. همچنین تعریف ابزار مالی، قراردادی را که علاوه بر دارایی مالی یا بدهی مالی، دارایی غیرمالی یا بدهی غیرمالی نیز ایجاد می‌کند، دربرمی‌گیرد. این ابزارهای مالی، اغلب به یک طرف، اختیار مبادله دارایی مالی یا دارایی غیرمالی را می‌دهد. برای مثال، اوراق قرضه وابسته به قیمت نفت ممکن است به دارنده حق دریافت مجموعه‌ای از پرداختهای ادواری بهره ثابت و مبلغ ثابتی نقد در سررسید را به همراه اختیار مبادله مبلغ اصل در مقابل مقدار ثابتی نفت اعطا کند. مطلوبیت استفاده از این اختیار بر اساس ارزش منصفانه نفت در مقایسه با نسبت مبادله نقد و نفت (قیمت مبادله) که در اوراق قرضه قید شده است، در زمانهای مختلف متفاوت خواهد بود. مقاصد دارندگان اوراق قرضه برای استفاده از اختیار معامله، اثری بر ماهیت داراییهای تشکیل‌دهنده ندارد. دارایی مالی دارنده و بدهی مالی ناشر موجب می‌شود که اوراق قرضه، صرفنظر از انواع دیگر داراییها و بدهیهای که ایجاد می‌شود، ابزار مالی باشد.

استاندارد بین‌المللی حسابداری 32
ابزارهای مالی: ارائه

رب ۲۴. [حذف شد]

ارائه

بدهیها و حقوق مالکانه (بندهای ۱۵ تا ۲۷)

نبود تعهد قراردادی برای تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر (بندهای ۱۷ تا ۲۰)

رب ۲۵. سهام ممتاز ممکن است با حقوق مختلفی منتشر شود. برای تعیین اینکه سهام ممتاز، بدهی مالی است یا ابزار مالکانه، ناشر حقوق خاص سهم را بررسی می‌کند تا مشخص شود که از ویژگی بنیادی بدهی مالی برخوردار است یا خیر. برای مثال، سهام ممتازی که در تاریخ مشخص یا به اختیار دارنده بازخرید می‌شود، دربردارنده بدهی مالی است؛ زیرا ناشر متعهد به انتقال داراییهای مالی به دارنده سهم است. ناتوانی بالقوه ناشر در ایفای تعهد بازخرید سهام ممتاز، زمانی که به صورت قراردادی ملزم به انجام آن است، به دلیل کمبود نقد یا به دلیل محدودیت قانونی یا سود یا اندوخته‌های ناکافی، تعهد را منتفی نمی‌کند. اختیار ناشر برای بازخرید سهام در ازای نقد، تعریف بدهی مالی را احراز نمی‌کند؛ زیرا ناشر برای انتقال داراییهای مالی به سهامداران تعهد فعلی ندارد. در این مورد، بازخرید سهام تنها به اختیار ناشر انجام می‌گیرد. با وجود این، زمانی که ناشر سهام از طریق اطلاع‌رسانی رسمی قصد بازخرید سهام، به سهامداران، از اختیار خود استفاده کند ممکن است تعهد ایجاد شود.

رب ۲۶. زمانی که سهام ممتاز، غیر قابل بازخرید است، طبقه‌بندی مناسب از طریق سایر حقوق متعلق به سهام ممتاز تعیین می‌شود. طبقه‌بندی بر مبنای ارزیابی محتوای توافق قراردادی و تعاریف بدهی مالی و ابزار مالکانه صورت می‌گیرد. زمانی که توزیع منابع به دارندگان سهام ممتاز انباشت‌شونده یا غیرانباشت‌شونده، به اختیار ناشر باشد، این سهام ابزار مالکانه است. طبقه‌بندی سهام ممتاز به عنوان ابزار مالکانه یا بدهی مالی تحت تأثیر عواملی مانند موارد زیر نیست:

الف. سابقه توزیع منابع؛

ب. قصد توزیع منابع در آینده؛

پ. تأثیر منفی احتمالی بر قیمت سهام عادی ناشر در صورت عدم توزیع منابع (به دلیل محدودیت در پرداخت سود تقسیمی به سهامداران عادی، در صورت عدم پرداخت سود تقسیمی به سهامداران ممتاز)؛

- ت. مبلغ اندوخته‌های ناشر؛
ث. انتظار ناشر از سود یا زیان دوره؛ یا
ج. توانایی یا ناتوانی ناشر برای اثرگذاری بر مبلغ سود یا زیان دوره.

تسویه از طریق ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری (بندهای 21 تا 24)

رب27. مثالهای زیر، نحوه طبقه‌بندی انواع مختلف قراردادهای مربوط به ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری را تشریح می‌کند:

الف. قراردادی که توسط واحد تجاری از طریق دریافت یا تحویل تعداد ثابتی از سهام خود واحد تجاری بدون مابه‌ازای آتی، یا از طریق معاوضه تعداد ثابتی از سهام خود واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی نقد یا دارایی مالی دیگر، تسویه خواهد شد، ابزار مالکانه است (به استثنای موارد مندرج در بند ۲۲الف). در نتیجه، هرگونه مابه‌ازای دریافتی یا پرداختی برای چنین قراردادی، بطور مستقیم به حقوق مالکانه اضافه یا از آن کسر می‌شود. یک مثال در این خصوص، اختیار معامله منتشرشده‌ای است که به طرف مقابل، حق خرید تعداد ثابتی از سهام واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی نقد را می‌دهد. با وجود این، در صورتی که قرارداد، واحد تجاری را به خرید (بازخرید) سهام خود در ازای نقد یا دارایی مالی دیگر در تاریخی معین یا قابل تعیین یا بنا به تقاضای دارنده اختیار معامله، ملزم نماید، واحد تجاری به میزان ارزش فعلی مبلغ بازخرید، بدهی مالی شناسایی می‌کند (به استثنای ابزارهایی که تمام ویژگیها و شرایط بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای ۱۶پ و ۱۶ت را احراز می‌کنند). یک مثال در این زمینه، تعهد واحد تجاری به بازخرید تعداد ثابتی از سهام خود واحد تجاری در ازای مبلغ ثابتی نقد، طبق پیمان آتی می‌باشد.

ب. تعهد واحد تجاری به خرید سهام خود واحد تجاری در ازای نقد، بدهی مالی به میزان ارزش فعلی مبلغ بازخرید ایجاد می‌کند؛ حتی اگر تعداد سهامی که واحد تجاری متعهد به بازخرید آن است ثابت نباشد یا اینکه تعهد مشروط به اعمال حق بازخرید توسط طرف مقابل باشد (به غیر از موارد مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای ۱۶پ و ۱۶ت). یک مثال از تعهد مشروط، اختیار معامله منتشرشده‌ای است که در صورت اعمال اختیار معامله توسط طرف مقابل، واحد

تجاری را به بازخرید سهام خود واحد تجاری در ازای نقد ملزم می‌کند.

پ. قراردادی که به صورت نقدی یا از طریق دارایی مالی دیگر تسویه خواهد شد، دارایی مالی یا بدهی مالی است؛ حتی اگر مبلغ نقد یا دارایی مالی دیگر که دریافت یا تحویل داده خواهد شد، مبتنی بر تغییرات قیمت بازار حقوق مالکانه واحد تجاری باشد (به غیر از موارد مندرج در بندهای ۱۶الف و ۱۶ب یا بندهای ۱۶پ و ۱۶ت). یک مثال در این زمینه، اختیار معامله‌ای است که به صورت خالص از طریق نقد تسویه می‌شود.

ت. قراردادی که از طریق تعداد متغیری از سهام خود واحد تجاری که ارزش آن برابر با مبلغی ثابت یا مبلغی مبتنی بر تغییرات متغیر پایه (برای مثال قیمت کالا) است، تسویه خواهد شد، دارایی مالی یا بدهی مالی محسوب می‌شود. یک مثال در این زمینه، اختیار معامله صادرشده برای خرید طلا است که، در صورت اعمال، به صورت خالص از طریق ابزارهای خود واحد تجاری تسویه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که واحد تجاری تعدادی از ابزار مورد نظر را که برابر با ارزش قرارداد اختیار معامله است، تحویل می‌دهد. چنین قراردادی، حتی اگر متغیر پایه، به جای طلا، قیمت سهام خود واحد تجاری باشد، دارایی مالی یا بدهی مالی است. همچنین، قراردادی که از طریق تعداد ثابتی از سهام واحد تجاری تسویه می‌شود، اما حقوق متعلق به سهام به‌گونه‌ای تغییر خواهد کرد که ارزش تسویه برابر با مبلغی ثابت یا مبتنی بر تغییرات متغیر پایه شود، دارایی مالی یا بدهی مالی است.

شرایط تسویه احتمالی (بند 25)

رب ۲۸. طبق بند ۲۵، اگر بخشی از شرایط تسویه احتمالی که می‌تواند تسویه به صورت نقدی یا از طریق دارایی مالی دیگر را الزامی کند (یا به شیوه‌ای دیگر که منجر به طبقه‌بندی ابزار مالی به عنوان بدهی مالی می‌شود) واقعی نباشد، شرایط تسویه بر طبقه‌بندی ابزار مالی تأثیری ندارد. بنابراین، قراردادی که تنها در صورت وقوع رویدادی بسیار نادر، غیرعادی و بعید مستلزم تسویه به صورت نقدی یا از طریق تعداد متغیری از سهام خود واحد تجاری است، ابزار مالکانه محسوب می‌شود. همچنین، تسویه از طریق تعداد ثابتی از سهام خود واحد تجاری، ممکن است طبق قرارداد در شرایطی خارج از کنترل واحد تجاری،

منع شده باشد، اما اگر احتمال وقوع این شرایط وجود نداشته باشد، طبقه‌بندی به عنوان ابزار مالکانه مناسب است.

نحوه عمل در صورتهای مالی تلفیقی

رب ۲۹. واحد تجاری در صورتهای مالی تلفیقی، منافع فاقد حق کنترل- یعنی منافع سایر طرفها در حقوق مالکانه و درآمد واحدهای تجاری فرعی آن- را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۰ ارائه می‌کند. هنگام طبقه‌بندی یک ابزار مالی (یا جزئی از آن) در صورتهای مالی تلفیقی، واحد تجاری تمام مفاد و شرایط مورد توافق اعضای گروه و دارندگان آن ابزار را در نظر می‌گیرد تا تعیین کند که آیا گروه به عنوان یک مجموعه واحد، نسبت به تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر در ارتباط با آن ابزار یا تسویه ابزار مورد نظر به شیوه‌ای که منجر به طبقه‌بندی به عنوان بدهی شود، متعهد است یا خیر. زمانی که یک واحد تجاری فرعی گروه، ابزار مالی منتشر می‌کند و واحد تجاری اصلی یا واحد تجاری دیگری در گروه، در مورد شرایط و مفاد اضافی، بطور مستقیم با دارندگان ابزار توافق می‌کند (برای مثال تضمین)، گروه ممکن است اختیار توزیع منابع یا بازخرید را نداشته باشد. اگرچه واحد تجاری فرعی ممکن است این ابزار را به درستی و بدون توجه به این شرایط اضافی، در صورتهای مالی منفرد خود طبقه‌بندی کند، اما تأثیر سایر توافقات بین اعضای گروه و دارندگان آن ابزار، به منظور اطمینان از انعکاس معاملات انجام‌شده و قراردادهای گروه به عنوان مجموعه واحد در صورتهای مالی تلفیقی، در نظر گرفته می‌شود. تا میزانی که چنین تعهد یا شرایط تسویه‌ای وجود داشته باشد، آن ابزار (یا جزئی از آن که مشمول تعهد است) در صورتهای مالی تلفیقی به عنوان بدهی مالی طبقه‌بندی می‌شود.

رب ۲۹الف. برخی انواع ابزارها که تعهد قراردادی به واحد تجاری تحمیل می‌کنند، طبق بندهای ۱۱۶الف و ۱۱۶ب یا بندهای ۱۱۶پ و ۱۱۶ت، به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شوند. طبقه‌بندی طبق بندهای اشاره‌شده، یک استثنا بر اصولی است که در این استاندارد برای طبقه‌بندی ابزارها بکار گرفته می‌شود. این استثنا، به طبقه‌بندی منافع فاقد حق کنترل در صورتهای مالی تلفیقی، قابل تعمیم نمی‌باشد. بنابراین، ابزارهایی که طبق بندهای ۱۱۶الف و ۱۱۶ب یا ۱۱۶پ و ۱۱۶ت، منافع فاقد حق کنترل

محسوب می‌شوند و در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌گردند، در صورتهای مالی تلفیقی گروه، به عنوان بدهی طبقه‌بندی می‌گردند.

ابزارهای مالی مرکب (بندهای ۲۸ تا ۳۲)

رب ۳۰. بند ۲۸ تنها برای ناشران ابزارهای مالی مرکب غیرمشتقه کاربرد دارد. ابزارهای مالی مرکب از دیدگاه دارندگان، مشمول بند 28 نمی‌شود. برای تفکیک ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده از دیدگاه دارندگان ابزارهای مالی مرکب که شامل ویژگیهای بدهی و حقوق مالکانه است، استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 کاربرد دارد.

رب ۳۱. شکل رایج ابزار مالی مرکب، ابزار بدهی با اختیار تبدیل تعبیه‌شده، مانند اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام عادی ناشر، بدون هرگونه ویژگی مشتقه تعبیه‌شده دیگر است. بند ۲۸، ناشر چنین ابزار مالی را ملزم می‌کند که جزء بدهی و جزء حقوق مالکانه را در صورت وضعیت مالی، به صورت زیر تفکیک نماید:

الف. تعهد ناشر برای پرداختهای زمانبندی‌شده اصل و بهره، یک بدهی مالی است که تا زمان تبدیل ابزار مالی وجود دارد. در زمان شناخت اولیه، ارزش منصفانه جزء بدهی، برابر با ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی تعیین‌شده طبق قرارداد است که برای تنزیل آن، از نرخ بهره رایج در بازار در آن تاریخ برای ابزارهایی با وضعیت اعتباری مشابه و جریانهای نقدی اساساً یکسان در شرایط یکسان، اما بدون اختیار تبدیل، استفاده می‌شود.

ب. ابزار مالکانه، اختیار تعبیه‌شده تبدیل بدهی به حقوق مالکانه ناشر است. این اختیار در زمان شناخت اولیه دارای ارزش است، حتی اگر اعمال اختیار، فاقد ارزش اعمال باشد.

رب ۳۲. هنگام تبدیل ابزار قابل تبدیل در سررسید، واحد تجاری جزء بدهی را قطع شناخت می‌کند و آن را به عنوان حقوق مالکانه شناسایی می‌نماید. جزء مالکانه اولیه، به عنوان حقوق مالکانه باقی می‌ماند (اگرچه ممکن است عنوان آن در بخش حقوق مالکانه تغییر کند). هنگام تبدیل در سررسید، هیچ سود یا زیانی شناسایی نمی‌شود.

رب ۳۳. هرگاه واحد تجاری ابزار قابل تبدیل را قبل از سررسید، از طریق بازخرید زودهنگام یا بازخرید

به‌گونه‌ای که امتیاز تبدیل اولیه بدون تغییر باقی بماند، تسویه کند، مابه‌ازای پرداختی و هرگونه مخارج معامله بازخرید را در تاریخ معامله به اجزای بدهی و حقوق مالکانه تخصیص می‌دهد. روش مورد استفاده در تخصیص مابه‌ازای پرداختی و مخارج معامله به اجزای جداگانه، باید سازگار با روش مورد استفاده در تخصیص اولیه برای تفکیک اجزای عواید دریافتی توسط واحد تجاری هنگام انتشار ابزار قابل تبدیل، طبق بندهای ۲۸ تا ۳۲ باشد.

رب۳۴. پس از تخصیص مابه‌ازا، هر گونه سود یا زیان ایجادشده، طبق اصول حسابداری قابل اعمال برای جزء مربوط، به صورت زیر به حساب منظور می‌شود:

الف. مبلغ سود یا زیان مربوط به جزء بدهی در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود؛ و

ب. مبلغ مابه‌ازای مربوط به جزء حقوق مالکانه، در حقوق مالکانه شناسایی می‌شود.

رب۳۵. واحد تجاری ممکن است شرایط ابزار قابل تبدیل را به‌گونه‌ای تغییر دهد که تبدیل زودهنگام میسر شود، برای مثال، نسبت تبدیل را مطلوب‌تر نماید یا در صورت تبدیل پیش از تاریخ مشخص‌شده، مابه‌ازای بیشتری پرداخت کند. در تاریخ تغییر شرایط، تفاوت بین ارزش منصفانه مابه‌ازایی که دارند در تاریخ تبدیل ابزار طبق شرایط تغییر یافته دریافت می‌کند و ارزش منصفانه مابه‌ازایی که دارند می‌توانست طبق شرایط اصلی دریافت کند، به عنوان زیان در سود و زیان دوره شناسایی می‌شود.

سهام خزانه (بندهای ۳۳ و ۳۴)

رب۳۶. ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، صرفنظر از دلیل بازخرید، به عنوان دارایی مالی شناسایی نمی‌شوند. طبق بند ۳۳، واحد تجاری که ابزارهای مالکانه خود را بازخرید می‌کند، باید آن ابزارهای مالکانه را از حقوق مالکانه کسر نماید. با وجود این، زمانی که واحد تجاری حقوق مالکانه خود را از جانب دیگران نگه می‌دارد، برای مثال، هنگامی که یک مؤسسه مالی که حقوق مالکانه خود را به نیابت از مشتریان نگه می‌دارد، رابطه نمایندگی به وجود می‌آید و در نتیجه، ابزارهای نگهداری‌شده در صورت وضعیت مالی واحد تجاری منعکس نمی‌شود.

بهره، سود تقسیمی، سودها و زیانها (بندهای ۳۵ تا ۴۱)

رب۳۷. مثال زیر، نحوه بکارگیری بند ۳۵ را برای ابزارهای مالی مرکب تشریح می‌کند. فرض کنید که سهام ممتاز غیر

انباشت‌شونده‌ای بطور اجباری در مدت ۵ سال از طریق پرداخت نقد قابل بازخرید است، اما پرداخت سود تقسیمی آن قبل از تاریخ بازخرید، به اختیار واحد تجاری می‌باشد. چنین ابزاری، یک ابزار مالی مرکب محسوب می‌شود که جزء بدهی آن برابر با ارزش فعلی مبلغ بازخرید می‌باشد. برگشت تنزیل این جزء، در سود یا زیان دوره شناسایی و به عنوان هزینه بهره طبقه‌بندی می‌شود. هرگونه سود تقسیمی پرداختی، به جزء مالکانه مربوط است و در نتیجه به عنوان توزیع سود شناسایی می‌شود. در صورتی که بازخرید اجباری نباشد اما با اختیار دارنده صورت گیرد، یا اگر سهام به صورت اجباری به تعداد متغیری سهام عادی قابل تبدیل باشد که تعداد آن برابر با مبلغی ثابت یا مبلغی مبتنی بر تغییرات متغیر پایه (مانند کالا) است، نحوه عمل به همین ترتیب خواهد بود. با وجود این، اگر سود تقسیمی پرداخت‌نشده به مبلغ بازخرید افزوده شود، کل ابزار، بدهی است. در چنین مواردی، هرگونه سود تقسیمی به عنوان هزینه بهره طبقه‌بندی می‌شود.

تهاثر دارایی مالی با بدهی مالی (بندهای 42 تا 50)

رب ۳۸. [حذف شد]

معیاری که نشان می‌دهد واحد تجاری "در حال حاضر حق قانونی قابل اعمال برای
تهاثر مبالغ شناسایی‌شده دارد" (بند 42 الف))

رب ۳۸ الف. حق تهاثر ممکن است در حال حاضر وجود داشته باشد یا مشروط به وقوع رویدادی در آینده باشد (برای مثال، این حق ممکن است تنها در صورت وقوع برخی رویدادهای آتی مانند نکول، ناتوانی مالی یا ورشکستگی یکی از طرفها، بالفعل یا قابل اعمال شود). حتی اگر حق تهاثر مشروط به رویداد آتی نباشد، ممکن است از نظر قانونی، تنها در روال عادی فعالیت‌های تجاری قابل اعمال باشد یا در صورت ناتوانی مالی یا ورشکستگی یک یا تمام طرفها قابل اعمال شود.

رب ۳۸ ب. به منظور احراز معیار مندرج در بند ۴۲ (الف)، واحد تجاری باید در حال حاضر، حق قانونی قابل اعمال برای تهاثر داشته باشد. این بدان معنی است که حق تهاثر:

الف. نباید مشروط به رویداد آتی باشد؛ و

ب. باید در تمام شرایط زیر از نظر قانونی قابل اعمال باشد:

1. روال عادی فعالیت‌های تجاری؛

2. نکول؛ و

3. ناتوانی مالی یا ورشکستگی

واحد تجاری و تمام طرفهای مقابل.

رب 38پ. ماهیت و میزان حق تهاثر، شامل هرگونه شرط برای اعمال آن و برقراری آن در شرایط ن یا ناتوانی مالی یا ورشکستگی، ممکن است در حوزه‌های مقرراتی مختلف متفاوت باشد. در نتیجه، نمیتوان فرض کرد که حق تهاثر خارج از روال عادی فعالیت‌های تجاری، بطور خودکار وجود دارد. برای مثال، قوانین ورشکستگی یا ناتوانی مالی در یک حوزه ممکن است حق تهاثر را در صورت ورشکستگی یا ناتوانی مالی در برخی شرایط، ممنوع یا محدود نماید.

رب 38ت. لازم است قوانین قابل اعمال در مورد روابط میان طرفین (برای مثال، شرایط قراردادی، قوانین حاکم بر قرارداد، یا قوانین نکول، ناتوانی مالی یا ورشکستگی قابل اعمال در مورد طرفین)، مورد توجه قرار گیرد تا مشخص شود که آیا حق تهاثر، در روال عادی فعالیت‌های تجاری و درص نکول صورت نکول، ناتوانی مالی یا ورشکستگی واحد تجاری و تمام طرفهای مقابل، قابل اعمال است یا خیر (طبق بند رب 38ب(ب)).

معیاری که نشان می‌دهد واحد تجاری "قصد دارد به صورت خالص تسویه کند یا همزمان با تبدیل دارایی به نقد، بدهی را تسویه نماید" (بند 42ب(ب))

رب 38ث. برای احراز معیار مندرج در بند 42ب(ب)، واحد تجاری باید قصد داشته باشد تسویه را به صورت خالص انجام دهد یا همزمان با تبدیل دارایی به نقد، بدهی را تسویه نماید. اگرچه ممکن است واحد تجاری حق تسویه به صورت خالص را داشته باشد، اما ممکن است همچنان بطور جداگانه دارایی را به نقد تبدیل کند و بدهی را تسویه نماید.

رب 38ج. اگر واحد تجاری بتواند مبالغ را به شیوه‌ای تسویه کند که نتیجه آن، معادل تسویه خالص باشد، واحد تجاری معیار تسویه خالص مندرج در بند 42ب(ب) را احراز می‌کند. این موضوع تنها زمانی واقع خواهد شد که سازوکار تسویه به صورت ناخالص، دارای ویژگی‌هایی باشد که ریسک اعتباری و نقدینگی را حذف کند یا آن را به سطح بی‌اهمیتی کاهش دهد و منجر به پردازش دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها در فرایند یا چرخه تسویه مجزا شود. برای مثال، سیستم تسویه ناخالصی که تمام

ویژگیهای زیر را داشته باشد، معیار تسویه خالص مندرج در بند ۴۲ (ب) را احراز می‌کند:

الف. داراییهای مالی و بدهیهای مالی واجد شرایط تهاتر، در نقطه زمانی یکسانی برای پردازش در نظر گرفته شوند؛

ب. هنگام پردازش داراییهای مالی و بدهیهای مالی، طرفین متعهد به ایفای تعهد تسویه باشند؛

پ. احتمال تغییر در جریانهای نقدی ناشی از داراییها و بدهیها، پس از در نظر گرفتن آنها برای پردازش، وجود نداشته باشد (مگر اینکه پردازش با شکست مواجه شده باشد- به قسمت (ت) زیر مراجعه شود)؛

ت. داراییها و بدهیهایی که از طریق اوراق بهادار تضمین شده‌اند، با انتقال اوراق بهادار یا از طریق سیستمی مشابه، تسویه خواهند شد (برای مثال، تحویل در مقابل پرداخت)، به‌گونه‌ای که اگر انتقال اوراق بهادار انجام نپذیرد، پردازش دریافتی یا پرداختی مربوط که اوراق بهادار وثیقه آنها است، نیز متوقف خواهد شد (و بر عکس)؛

ث. هرگونه معامله‌ای که طبق قسمت (ت) متوقف شود، تا زمان تسویه مجدداً مورد پردازش قرار خواهند گرفت؛

ج. تسویه از طریق مؤسسه تسویه یکسانی انجام گیرد (برای مثال، بانک تسویه، بانک مرکزی یا سپرده‌پذیر مرکزی اوراق بهادار)؛ و

چ. مرکز اعتبار روزانه‌ای وجود داشته باشد تا برای پردازش پرداختها در تاریخ تسویه، برای هر یک از طرفین، به میزان کافی مبالغ اضافه‌برداشت فراهم آورد که در صورت درخواست، مرکز اعتبار روزانه آن را ایفا خواهد کرد.

رب ۳۹. این استاندارد برای ابزارهایی که به آنها در اصطلاح "ابزارهای ساختگی" اطلاق می‌شود، نحوه عمل خاصی ارائه نمی‌کند. ابزارهای ساختگی، گروهی از ابزارهای مالی مجزای تحصیل و نگهداری شده است که با ویژگیهای ابزاری دیگر برابری می‌کند. برای مثال، بدهی بلندمدت با نرخ شناور که با سواپ نرخ بهره ترکیب شده است و دریافت مبالغ شناور و پرداختهای ثابت را به همراه دارد، یک بدهی بلندمدت با نرخ ثابت ایجاد می‌کند. هر یک از ابزارهای مالی منفرد که با یکدیگر "ابزارهای ساختگی" به وجود می‌آورند، بر اساس مفاد و شرایط خود، نمایانگر

حق یا تعهد قراردادی هستند و هر يك ممكن است جداگانه انتقال یابند یا تسویه شوند. هر ابزار مالی، در معرض ریسک‌هایی قرار دارد که ممکن است با ریسک‌هایی که ابزارهای مالی دیگر در معرض آن قرار دارند، متفاوت باشد. در نتیجه، زمانی که يك ابزار مالی در "ابزار ساختگی"، دارایی و دیگری بدهی است، با یکدیگر تهاتر نمی‌شوند و در صورت وضعیت مالی به صورت خالص ارائه نمی‌گردند، مگر اینکه معیارهای تهاتر، مندرج در بند 42 را احراز کنند.

رب40. [حذف شد]